

آسیا - پاسیفیک در قرن بیست و یکم: فرصت‌ها و چالش‌ها

رویا خضری^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

^۱. دکتری روابط بین الملل dr.rkhezri@gmail.com

چکیده

این نوشتار به دنبال آن است که با نگاهی به وضعیت منطقه جنوب شرق آسیا؛ ابتکار کمربند-راه چین و استراتژی هند و آرام آمریکا، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی منطقه آسیا-پاسیفیک در قرن ۲۱ را به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اقتصادمحور بودن این حوزه، آینده روند اقتصادی منطقه به چه سمت در حال حرکت است و ابتکارات آمریکا تا چه اندازه در برابر ابتکارات چین دوام خواهند آورد؟ فرضیه مقاله این است که چین و آمریکا در منطقه آسیا-پاسیفیک به ویژه حوزه آ.سه.آن، درگیر یک رقابت فزاینده و البته نرم هستند. این رقابت اساساً سخت و مبتنی بر حاصل جمع صفر نیست. هر دو کشور به دنبال پیشبرد منافع خود در منطقه بدون درگیری با دیگری می‌باشند. یافته‌ها حاکی از آن است از آنجاکه رقابت چین و آمریکا در منطقه هنوز تبدیل به یک رقابت جنگ سردی نشده است، می‌توان آن را هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر رقابت بین دو قدرت تعریف کرد. در این میان، کشورهای جنوب شرق آسیا نیز در پی تعامل با هر دو قدرت هستند.

• واژگان کلیدی

آسیا-پاسیفیک، چین، آمریکا، آ.سه.آن، طرح کمربند-راه، استراتژی ایندو پاسیفیک.

مقدمه

چین و آمریکا برای تعیین قوانین، هنجارها و معیارها در آسیا-پاسیفیک باهم در رقابت هستند. این در حالی است که سایر کشورهای منطقه به ویژه اعضای اتحادیه جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن)^۱ خواهان شکل دادن آینده این حوزه توسط خود کشورهای منطقه هستند. آسیا به طرز چشم گیری در حال تغییر است اما دو قدرت مهم این منطقه در حال رقابت شدید از حوزه تجارت گرفته تا دسترسی به اطلاعات و داده ها می باشند. این اقدامات از منظر کشورهای منطقه مانعی برای همکاری و هماهنگی است و از نظر آنان، آینده آسیا-پاسیفیک با محوریت چین که آمریکا از آن بیم دارد؛ یا با مهار آمریکا که چین خواهان آن است، تعریف نخواهد شد. در مقابل آنچه اتفاق می افتد، درهم ریختگی و تغییر ائتلاف ها و هنجارها در منطقه خواهد بود که تأثیر منفی بر پویایی اقتصادی خواهد داشت. با وجود این، مقاومت در برابر فشارهای چین و آمریکا کار ساده ای نیست؛ آنچه در دوران جنگ سرد رخ داد، می تواند در آینده آسیا-پاسیفیک نیز اتفاق بیفتد؛ زیرا کشورهای منطقه بین چین و آمریکا در رفت و آمد هستند. تلاش چین و آمریکا برای تعیین آینده ای با بازی حاصل جمع صفر در منطقه، تاکنون ناکام مانده است، تقریباً هر دولتی در منطقه به چین بی اعتماد است. با این حال، هیچ یک از آن ها، حتی کشورهایی که در مورد قدرت چین دوپهلو صحبت می کنند، آینده ای را که آمریکا دیکته کرده را نپذیرفته اند.

از یک سو ابتکار «کمربند-راه»^۲ بخشی از برنامه چین برای تقویت ارتباطات جهانی و ادغام بازار از طریق صادرات و براساس ظرفیت توسعه زیرساخت ها، در حال تعریف مجدد محیط اقتصادی و امنیتی جنوب شرق آسیا است، از سوی دیگر، آمریکا با طرح استراتژی «هند و آرام»^۳ به دنبال برقراری توازن در برابر فعالیت های چین در منطقه است؛ تا از گسترش نفوذ نظامی چین در دریای چین جنوبی تا توسعه اقتصادی در اقیانوس هند خودداری کند. منطقه «هند و آرام» تنها منطقه ای است که برای آینده آمریکا اهمیت دارد. این منطقه با دارا بودن نیمی از جمعیت جهان، ۷ ارتش از ۱۰ ارتش بزرگ جهان، ۹ بندر از ۱۰ بندر مهم و شلوغ جهان باعث شده است که آمریکا خود را متعهد به امنیت، آزادی و باز نگه داشتن خطوط دریایی آن بداند؛ اما این منطقه نمی خواهد بین آمریکا و چین چه در سطح دیپلماتیک و چه در حوزه

1. The Association of Southeast Asian Nations

2. Belt Road Initiative

3. Indo-Pacific

استراتژیک، یکی را انتخاب کند. اما با وجود این که کشورهای منطقه عمیقاً از مشارکت آمریکا در تأمین امنیت رضایت دارند؛ در حوزه اقتصادی، واقعیت ها حاکی از آن است که تمایلی به انتخاب یکی در مقابل دیگری ندارند و ترجیح می دهند بر روی ثبات منطقه ای، همکاری چندجانبه، رشد اقتصادی و حفظ فضای باز تجاری متمرکز شوند.

لذا با لحاظ قرار دادن خواست کشورهای منطقه، این نوشتار به دنبال آن است که با نگاهی به وضعیت منطقه به خصوص حوزه جنوب شرق آسیا، ابتکار کمربند-راه چین و استراتژی ایندو-پاسیفیک آمریکا، فرصت ها و چالش های پیش روی منطقه آسیا-پاسیفیک در قرن ۲۱ را مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی که مطرح است این است که با توجه به اقتصادمحور بودن این حوزه، آینده روند اقتصادی منطقه به چه سمت در حرکت است و ابتکارات آمریکا تا چه اندازه در برابر ابتکارات چین دوام خواهند آورد؟

قرن ۲۱ آسیا؛ شکل گیری پان آسیاییسم^۱:

منطقه جنوب شرق آسیا منطقه ای پویا با بیش از ۶۳۶ میلیون نفر جمعیت است و بانک توسعه آسیایی پیش بینی می کند تا سال ۲۰۳۰، جمعیت آن به ۷۰۰ میلیون نفر با ترکیب متنوع قومی مذهبی برسد. در حال حاضر، ۲۴۰ میلیون مسلمان، ۱۴۰ میلیون بودائی، ۱۳۰ میلیون مسیحی و ۷ میلیون هندو در این منطقه ساکن هستند. از نظر جغرافیایی، جنوب شرق آسیا به ویژه دریای چین جنوبی و تنگه مالاکا دارای اهمیت استراتژیک حیاتی هستند. این تنگه که بین مالزی، اندونزی و سنگاپور قرار دارد، یکی از شلوغ ترین خطوط کشتیرانی و مسیرهای تجاری در جهان است و تقریباً ۵۰ هزار کشتی، ۴۰ درصد از تجارت جهانی کالا و ۲۵ درصد از کل محموله های نفت را حمل می کنند. این تنگه در باریک ترین نقطه خود در نزدیکی سنگاپور، تنها ۱،۵ مایل عرض دارد و در مواقع اختلاف، آن را به یک نقطه خطر استراتژیک تبدیل می کند. با توجه به وابستگی به منابع وارداتی انرژی، همه کشورهای آسیایی، به ویژه کشورهای شمال شرقی آسیا، در صورت بسته شدن تنگه یا بروز مناقشه دریایی، به شدت تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. چین به ویژه آسیب پذیرتر است، همان طور که ۸۰ درصد واردات نفت خام این کشور از تنگه مالاکا و متعاقباً دریای چین جنوبی انجام می شود. این یکی از دلایلی است که دریای چین جنوبی از لحاظ استراتژیکی بسیار حساس است. دلیل دیگر، ذخایر قابل توجه نفت و گاز طبیعی در بستر دریا است (Shambaugh, 2018, A:89-90).

^۱. Pan-Asianism

آسیا از روندهای جهانی شدن مانند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دسترسی به دانش و نوآوری، بازارهای باز برای تجارت کالا و خدمات و پیشرفت سریع فن‌آوری بهره‌مند شده است. رشد آسیایی هم‌چنین براساس صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای غالب که از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه ارائه می‌شود، بنا شده است. در قرن نوزدهم، جهان اروپایی شد؛ در قرن بیستم، آمریکایی شد؛ اکنون، آسیایی می‌شود و بسیار سریع‌تر از آنچه تصور می‌کنید، صعود آسیا سریع بوده است. منطقه‌ای که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است، در یک نسل از وضعیت کم‌درآمد به درآمد متوسط رسیده است. تا سال ۲۰۴۰، بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کند و می‌تواند ۴۰ درصد از مصرف جهانی را تشکیل دهد.

تحقیقات موسسه جهانی مک کنزی^۱ نشان می‌دهد که مرکز ثقل جهانی تا چه اندازه به آسیا منتقل می‌شود. امروزه این منطقه دارای سهم جهانی فزاینده‌ای از تجارت، سرمایه، جمعیت، دانش، حمل‌ونقل، فرهنگ و منابع است. آسیا در حال حاضر، حدود یک‌سوم تجارت جهانی کالاها را در اختیار دارد، در حالی که این میزان در حدود ده سال پیش حدود یک‌چهارم بوده است؛ اما نه تنها جریان‌های خارجی به آسیا هدایت می‌شوند، شبکه‌های پویای درون منطقه‌ای نیز باعث پیشرفت می‌شوند. تقریباً ۶۰ درصد از کل تجارت کالاهای آسیایی در داخل منطقه انجام می‌شود که توسط زنجیره‌های تأمین^۲ آسیایی به‌طور فزاینده‌ای تسهیل شده است. بودجه و سرمایه‌گذاری بین منطقه‌ای نیز در حال افزایش است در حوزه گردشگری، ۷۴٪ از سفرهای داخل آسیا توسط آسیایی‌ها انجام می‌شود که به ادغام منطقه نیز کمک می‌کند. در این‌بین، با وجود همه اختلافات ایدئولوژیکی و استراتژیکی، چین و آمریکا از راه‌های مشابهی به منطقه نزدیک می‌شوند و هر یک، دیگر کشورهای منطقه را به پذیرش هنجارها، نهادها و معیارهای ترجیحی خود ترغیب می‌کنند؛ تا از برقراری روابط امنیتی یا ادغام اقتصادی با رقیب خود جلوگیری کنند. آمریکا شرکت‌های آسیایی را که فروش آن‌ها باعث بهبود پایگاه فن‌آوری چین شود، مجازات می‌کند. برای مثال؛ اعمال توقف صادرات یک شرکت تایوانی^۳ به یک شرکت تابعه مخابرات چین و در طرف مقابل؛ مجازات شرکت‌های کره جنوبی بعد از استقرار سیستم دفاع

^۱. McKinsey & Company Management consulting company

^۲. زنجیره‌ی تأمین، عبارت است از شبکه‌ای از فرایندها، به‌طوری که هدف نهایی آن‌ها تأمین کالاها و خدمات مشتریان بوده و دربرگیرنده‌ی تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان است که با هم به‌طور هماهنگ و منسجم در جهت راضی کردن مشتریان، همکاری می‌کنند.

^۳. TSMC

موشکی تاد^۱ توسط چین، هم‌چنین تحریم محصولات استرالیایی توسط چین بعد از همراهی استرالیا با آمریکا برای تحقیق در مورد ریشه ویروس کرونا (Feigenbaum, 2020,A).

مقاومت در برابر فشارهای چین و آمریکا کار ساده‌ای نیست زیرا هر دو کشور برگ‌های قدرتمندی در اختیار دارند. چین با محدود کردن دسترسی به بازارهای خود و به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی و آمریکا با استفاده از اهرم دسترسی به سیستم بانکی خود و استفاده از دلار در تعاملات تجاری بر کشورهای منطقه اعمال فشار می‌کنند، به عبارتی آن‌چه در دوران جنگ سرد رخ داد می‌تواند در آینده آسیا- پاسیفیک اتفاق بیافتد، زیرا کشورهای منطقه بین چین و آمریکا در رفت‌وآمد هستند. تلاش چین و آمریکا برای تعیین آینده‌ای با بازی حاصل جمع صفر در منطقه تاکنون ناکام مانده است. هر دو کشور قدرت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کند و عمق تغییرات از زمان بحران مالی آسیا طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ که به کشورهای منطقه ظرفیت و اراده بیشتری برای شکل دادن به آینده خود داده است را درک نمی‌کنند. بازیگرانی مانند هند؛ اندونزی؛ ژاپن؛ سنگاپور و کره جنوبی، حق اثرگذاری بر آینده منطقه خود را کسب کرده‌اند. تقریباً هر دولتی در منطقه به چین بی‌اعتماد است. باین حال، هیچ‌یک از آن‌ها، حتی کشورهایی که در مورد قدرت چین دوپهلو صحبت می‌کنند، آینده‌ای را که آمریکا دیکته کرده، نپذیرفته‌اند. آمریکا تلاش کرده تا پیمان‌ها و نهادهایی که در طی دو دهه گذشته در آسیا شکل گرفته و گسترش یافته است را متوقف نماید، برای مثال، آمریکا به متحدان خود برای توقف عضویت آن‌ها در بانک توسعه زیرساخت آسیایی^۲ فشار آورد و تکرار همان اشتباه را در خصوص ابتکار کمربند- راه انجام داد. لذا برخی ناظران معتقدند که آمریکا به‌جای آنکه از استانداردهای بالاتر و کمک به کشورهای منطقه برای دستیابی به شرایط مطلوب در دریافت وام از چین حمایت کند، به آن‌ها فشار وارد می‌کند تا از کمک‌های مالی چین امتناع کنند و آن‌ها را متهم به ضعف در برابر فشارهای چین می‌کند، اما کشورهای منطقه در قالب منطقه‌گرایی معاصر، تمایل به انسجام و تنوع دارند و به‌نوعی به سمت پان‌آسیاییسم در حرکت هستند. بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، کشورهای آسیایی متوجه بی‌ثباتی در وابستگی اقتصادی به غرب شدند و در نتیجه، بودجه‌های دولتی و خصوصی آسیا به‌طور فزاینده‌ای شروع به تأمین سرمایه برای یکدیگر کردند. آسیا در حال حاضر تبدیل به منبع سرمایه شده و دیگر تنها دریافت‌کننده سرمایه نیست. زمانی که بحرانی به بزرگی گسترش ویروس کرونا نتوانست باعث

1. Terminal High Altitude Area Defense (THAAD)

2. AIIB

همکاری سازنده بین چین و آمریکا شود، کشورهای منطقه را به سمت شرایط جدید تعامل سوق داد. به عبارتی، بازیگران در حال ظهور آسیایی به دنبال نوشتن قوانین آینده این منطقه هستند و شاهد «اوج‌گیری منطقه‌گرایی»^۱ هستیم (Feigenbaum, 2020, B).

روابط آمریکا با جنوب شرق آسیا در دوران اوباما، ترامپ و بایدن

با وجود وابستگی عمیق و عناصر همکاری بین آمریکا و چین، طرفین در یک رقابت همه‌جانبه قرار گرفته‌اند. این رقابت به حوزه‌های ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، نظامی، فرهنگی، علمی، فن‌آوری و بسیاری حوزه‌های دیگر گسترش یافته است. از نظر آمریکا، به ویژه در دوره ریاست جمهوری ترامپ، چین به دنبال جایگزینی آمریکا در منطقه‌ی هند و آرام و تغییر نظم منطقه به نفع خود است. رقابت چین و آمریکا در منطقه آسیا- پاسیفیک به ویژه جنوب شرق آسیا، جایی که ده کشور عضو آ.سه. آن در تلاش‌اند تا خود را از این رقابت دور نگه دارند و با هر دو قدرت در ارتباط باشند، در چشم‌انداز بلندمدت برطرف نخواهد شد. سیاست‌های ترامپ از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ تا حدودی باعث گرایش کشورهای منطقه به سمت چین شد، تایلند و فیلیپین دو متحد آمریکا از یک سو، مالزی از سوی دیگر در حوزه دفاعی، در حال گسترش روابط با چین هستند؛ کامبوج و لائوس به شدت به چین وابسته‌اند؛ ویتنام در حال مدیریت روابط بین هر دو کشور است؛ سنگاپور شریک نزدیک آمریکا نیز دارای منافع عظیم اقتصادی با چین است و اندونزی تنها کشور منطقه است که در تلاش است تا فاصله خود را با چین علی‌رغم روابط دیپلماتیک و تعاملات اقتصادی رو به رشد، حفظ نماید. در صورت تداوم روندهای کنونی، برخی تحلیل‌گران معتقدند که آمریکا در معرض خطر از دست دادن توازن اثرگذاری و حتی توازن قدرت در منطقه به نفع چین است. البته آمریکا از مجموعه پایداری از روابط امنیتی، اقتصادی، تعاملات دیپلماتیک و حتی روابط قوی فرهنگی در قالب قدرت نرم در منطقه برخوردار است در مقابل چین هم از نفوذ دیپلماتیک، اقتصادی، سرمایه‌گذاری و نزدیکی ژئوپلیتیکی برخوردار است. اگر رقابت بین چین و آمریکا، حاد و مبتنی بر حاصل جمع صفر نشود (مانند آنچه در دوران جنگ سرد بین آمریکا و شوروی بود)، احتمال «هم‌زیستی رقابتی»^۲ وجود دارد و شاهد رقابت سخت و غیرقابل مدیریت بین چین و آمریکا خواهیم بود (Shambaugh, 2018, B: 85-88).

1. Rising Regionalism

2. Competitive Coexistence

دولت اوپاما توجه بی سابقه‌ای به جنوب شرق آسیا داشت و روابط آمریکا با منطقه را قوی‌تر از گذشته کرد. اوپاما اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که جنوب شرق آسیا را در فهرست اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داد. در اولین اقدام در سال ۲۰۱۱، دولت اوپاما پیمان دوستی و همکاری با آ.سه.آن را امضا کرد و اولین سفیر مستقل خود در آ.سه.آن مستقر در جاکارتا را تعیین کرد. در سال ۲۰۱۶، روابط خود را به «مشارکت استراتژیک» ارتقا دادند، هم‌چنین مجمع دفاعی آمریکا و آ.سه.آن راه‌اندازی شد. در دوران اوپاما، بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه، از جمله کمک‌های نظامی و موافقت‌نامه‌های دفاعی با اندونزی، مالزی، فیلیپین و سنگاپور امضا شد. روابط آمریکا و ویتنام به بالاترین حد خود رسید که منجر به لغو تحریم تسلیحاتی شد که از زمان پایان جنگ ویتنام وجود داشت. روابط آمریکا و میانمار عادی شد و واشنگتن نقش مهمی در تحول آن کشور از حکومت نظامی به دموکراسی داشت. باین حال، روابط با تایلند، متحد ۶۰ ساله پس از کودتای نظامی ۲۰۱۴، به شدت متشنج شد. روابط با فیلیپین نیز پس از رئیس‌جمهور شدن رودریگو دوترته در سال ۲۰۱۶، دچار رکود شدید شد (White House, 2016,A).

تجارت با آ.سه.آن نیز در دوران ریاست جمهوری اوپاما افزایش یافت و چهارمین شریک تجاری بزرگ آمریکا شد. حجم کل تجارت در سال ۲۰۱۵، به ۲۷۳ میلیارد دلار رسید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا در منطقه - با مجموع موجودی ۲۷۴ میلیارد دلار بیشتر از چین، اتحادیه اروپا و ژاپن در دوره اوپاما بود (White House, 2016,B). در حوزه گردشگری هم رشد چشم‌گیری صورت گرفت و ۳,۵ میلیون آمریکایی از کشورهای آ.سه.آن در سال ۲۰۱۵ بازدید کردند. دولت اوپاما از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، چهار میلیارد دلار کمک توسعه‌ای به این منطقه کرد و ابتکار مکونگ را برای حمایت از توسعه پایدار آغاز کرد. برنامه اقدام ۲۰۱۶ - ۲۰۲۰، علاوه بر تقویت مبادلات گسترده در زمینه‌های فرهنگی و تجاری، آمریکا را ملزم می‌ساخت تا از طریق گفت‌وگوهای تحت حمایت اتحادیه آ.سه.آن، تعاملات دیپلماتیک و امنیتی چندجانبه عمیق‌تری با این مجموعه داشته باشد. در این راستا، می‌توان به سازوکارهایی چون نشست وزرای دفاع آمریکا و آ.سه.آن؛ نشست رهبران آمریکا و آ.سه.آن؛ اجلاس شرق آسیا و چندین سازوکار چندجانبه دیگر اشاره کرد. در کل، به جرأت می‌توان گفت روابط آمریکا با آ.سه.آن در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران اوپاما رشد نداشته است (Plan of Action to Implement the ASEAN-U.S. Strategic Partnership, 2015).

اما ترامپ شروع بسیار آهسته و سنگینی با رهبران جنوب شرق آسیا داشت. اگرچه او زمان قابل توجهی را با رهبران شمال شرقی آسیا، به‌ویژه آبه شینزو و شی جین پینگ، صرف کرد، اما

جنوب شرق آسیا در ابتدا در صفحه رادار ترامپ نبود. چهار ماه اول دوره وی بدون یک جلسه یا گفت‌وگوی تلفنی با یک رهبر جنوب شرق آسیا به پایان رسید. اگرچه در همان مدت، او پانزده مکالمه تلفنی با سران کشورهای خاورمیانه؛ چهارده رهبر از اروپا؛ هفت رهبر از آمریکای لاتین؛ شش رهبر از شمال شرق آسیا؛ سه رهبر از آفریقا؛ دو رهبر از آمریکای شمالی؛ دو رهبر از اقیانوسیه و یک رهبر از آسیای جنوبی داشت. اقدام ترامپ در سومین روز کارش برای خروج از مشارکت فرا پاسیفیک^۱، شوکی در سراسر آسیا ایجاد کرد و به اعتبار آمریکا در سراسر منطقه به شدت آسیب رساند. خروج ترامپ از مشارکت فرا پاسیفیک بسیار فراتر از یک اقدام اقتصادی تلقی شد و به جنوب شرق آسیا هشدار داد که آمریکا غیرقابل پیش‌بینی است و نباید به آن اعتماد کرد (Kurlantzick, 2017).

در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۷، دولت ترامپ شروع به تمرکز بر منطقه کرد. مجموعه‌ای از اقدامات برای ارسال پیام‌های اطمینان بخش انجام شد. معاون رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دفاع و شخص رئیس‌جمهور همه از منطقه دیدن کردند. علاوه بر این، ترامپ رهبران مالزی، سنگاپور، تایلند و ویتنام را در کاخ سفید پذیرایی کرد؛ اما عدم قطعیت پیرامون سیاست‌های آمریکا در منطقه همچنان حاکم است همان‌طور که کیشور محبوبانی، دیپلمات ارشد بازنشسته سنگاپور این احساس رو به رشد در منطقه نسبت به آمریکا را این‌گونه توصیف کرد: «ما می‌دانیم که چین در ۱۰۰۰ سال آینده همسایه ما خواهد بود؛ اما نمی‌دانیم که آیا آمریکایی‌ها تا ۱۰۰ سال دیگر اینجا خواهند بود یا نه؟» (Shambaugh, 2018, C:109).

پس از آن که روابط آمریکا و آ.سه. آن در دولت دونالد ترامپ دچار مشکل شد، جو بایدن اکنون وعده می‌دهد که سیاست خارجی آمریکا بار دیگر بر متحدان متمرکز خواهد شد. رهبران کشورهای عضو آ.سه. آن پیروزی جو بایدن را تبریک گفته و از وی استقبال کرده و نسبت به روابط دوجانبه قوی‌تر و ثبات در منطقه ابراز امیدواری کرده‌اند. این در حالی است که در سال ۲۰۲۰، آ.سه. آن با حجم تجارت ۷۳۱٫۹ میلیارد دلار به بزرگ‌ترین شریک تجاری چین تبدیل شد (Global Times, 2021). نفوذ اقتصادی چین در منطقه از طریق مشارکت‌های دوجانبه و چندجانبه گسترش یافته است. جایی که بهبود اقتصاد در اولویت کشورهای عضو آ.سه. آن است. کشورهای عضو آ.سه. آن انتظار دارند که بایدن در برخورد با چین رویکرد محتاطانه‌تری داشته

¹. Trans Pacific Partnersjip

باشد و دیپلماسی به جای رویکرد مقابله‌ای مورد توجه اصلی وی باشد، زیرا چین بزرگ‌ترین شریک تجاری آسه آن و کمک‌کننده تأثیرگذار به چندین کشور عضو آسه آن است. از زمان روی کار آمدن بایدن، وی بر چندجانبه‌گرایی به عنوان اصلی‌ترین اصل سیاست خارجی دولت خود تأکید کرده است. برخلاف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین، او بارها از همکاری با سازمان‌های چندجانبه، متحدان، گروه‌های موقت و به‌ویژه دموکراسی‌های همکار برای حل مشکلات مشترک حمایت کرده است. وی و مقامات ارشد دولتش قبلاً اقدامات مشخصی را در این زمینه انجام داده‌اند، مانند: پیوستن به توافق‌نامه پاریس در مورد تغییرات آب‌وهوا و سازمان بهداشت جهانی. اما تعهد شخصی بایدن به چندجانبه‌گرایی جزء اصلی تعهد گسترده‌تر برای بازگرداندن رهبری آمریکا است. او قبل و بعد از پیروزی در انتخابات، اعلام کرد که «آمریکا بازگشته است» و آماده است تا بار دیگر رهبری جهان را از سر گیرد (Biden, 2020). اما بازگشت به چه چیزی؟ جنوب شرق آسیا امروزی، جنوب شرق آسیای دولت اوباما نیست و به‌طور خاص شاهد چهار تغییر برجسته است:

نخست، بی‌اعتنایی آشکار ترامپ به چندجانبه‌گرایی موجب تسریع روند قبلی در جنوب شرق آسیا شد. در ربع قرن گذشته، ده عضو آسه آن به‌طور یک‌نواخت اما پیوسته به سوی ادغام بیشتر رفتند. هجوم موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی باعث باز شدن آهسته اما پیوسته بازار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش زنجیره‌های تأمین شده است. مهم‌ترین دستاورد آسه آن انعقاد مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای^۱ در سال ۲۰۲۰ پس از هفت سال مذاکره بود. این توافق ابتکار آسه آن و تحت رهبری آن بود. همان‌طور که برخی تحلیل‌گران اظهار داشته‌اند، این توافق «پیروزی دیپلماسی قدرت متوسط آسه آن است» (Plummer & Petri, 2020).

دوم، وجهه و اعتبار آمریکا که مدتی به تدریج در حال سقوط بود، در دوران ترامپ دچار افت شدیدی شد. مشکلات فاحش اجتماعی و نژادی، دو قطبی شدن سیاست، مجموعه‌ای از مداخلات ناموفق در خاورمیانه و استیضاح رئیس‌جمهور، اعتماد جنوب شرق آسیا به رهبری آمریکا را به‌طور جدی تضعیف کرد. در زمینه تجارت، وضع تعرفه‌ها علیه کشورهای دوست و حمایت‌گرایی تجسم‌یافته در شعار «اول آمریکا» در آسیا تأثیر منفی داشت. طبق نظرسنجی سال ۲۰۲۰، اکثریت جنوب شرق آسیا به آمریکا به عنوان یک شریک استراتژیک قابل اعتماد، اعتماد چندانی نداشتند یا هیچ اعتمادی نداشتند. دولت‌های آسه آن سیاست‌های تجاری و

^۱. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

سرمایه‌گذاری دولت بایدن را با احتیاط مشاهده خواهند کرد. آن‌ها نسبت به تعهد او در بازگرداندن «رهبری» آمریکا هشدار می‌دهند و در مورد اعتبار وعده‌هایی که از واشنگتن پخش می‌شود شک دارند. آن‌ها همچنین دوست دارند که بایدن و مقامات ارشد وی انتقادات خود را نسبت به چین کاهش دهند. همان‌طور که آن‌ها نمی‌خواهند مجبور شوند بین چین و آمریکا یکی را انتخاب کنند. هم‌چنین نمی‌خواهند فضای مجامع منطقه‌ای که با زحمت آن‌ها ساخته شده است، از تنش‌های کنونی آمریکا و چین مسموم شود. حمایت اولیه بایدن از فعال‌سازی مجدد سازمان تجارت جهانی نشان‌دهنده تغییر مهم نگرش نسبت به چندجانبه‌گرایی است؛ اما این بدان معنا نیست که سیاست تجارت و سرمایه‌گذاری آمریکا با سیاست‌های چهار سال گذشته متفاوت خواهد بود. هر دو حزب سیاسی همچنان بر لزوم «سخت‌گیری در برابر چین» متمرکز هستند. برخی از تعرفه‌های وضع شده توسط دولت ترامپ احتمالاً پابرجا خواهد بود و برخی دیگر تنها به صورت گزینشی برداشته می‌شوند (Frost, 2021, A).

سوم، در دهه گذشته ژاپن قدرت خود را در جنوب شرق آسیا افزایش داد. نخست‌وزیر شینزو آبه در اولین سال دومین دوره ریاست جمهوری خود (۲۰۲۰-۲۰۱۲) از همه‌ده عضو آسه آن بازدید کرد تا اعتبار دیپلماتیک قابل توجهی را در منطقه به دست آورد. وی کمک‌های خارجی را گسترش داد و تا حدی آن را به کشورهای دارای اهمیت استراتژیک برای ژاپن تغییر داد. وی به پاسگان ساحلی ژاپن دستور داد تا همکاری و آموزش خود را با جنوب شرق آسیا گسترش دهد و فروش یا اهدای قایق‌های گشت‌زنی، رادارهای نظارتی و سایر تجهیزات حفاظت دریایی به فیلیپین، ویتنام و اندونزی را مجاز دانست. روابط تجاری و سرمایه‌گذاری ژاپن با جنوب شرق آسیا گسترده است. ژاپن یکی از شرکای تجاری مهم و همچنین سرمایه‌گذار برتر خارجی در کشورهای آسه آن است که چین را پشت سر گذاشته است. این کشور بیش از چین در زمینه زیرساخت‌های جنوب شرق آسیا هزینه می‌کند. واکنش ژاپن به ابتکار کمربند-راه چین قابل توجه است. در سال ۲۰۱۵، دولت آبه طرح مشارکت پنج‌ساله و ۱۱۰ میلیارد دلاری برای «زیرساخت‌های کیفیت»^۱ را اعلام کرد. اشاره به زیرساخت‌های کیفیت، یک اشاره ضمنی به کیفیت پایین پروژه‌های مهندسی چینی بود. این طرح در سال بعد به ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافت و به آسیای جنوبی، آفریقا و جنوب شرق آسیا گسترش یافت (Frost, B, 2021).

^۱. Quality Infrastructure

چهارم، حضور گسترده اقتصادی و نفوذ گسترده‌ای است که چین در جنوب شرق آسیا ایجاد کرده است. یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۰، نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از آسیایی‌های جنوب شرقی، از افزایش نفوذ اقتصادی منطقه‌ای چین نگران بودند، از نظر آن‌ها، دو چین وجود دارد: یک چین که ابتکار کمربند راه، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی، بانک توسعه و سایر مؤسسات چندجانبه را ایجاد کرد؛ چین دوم که شعارهای ملی گرایانه سر می‌دهد و با خشونت نسبت به نقض حاکمیت ملی خود واکنش نشان می‌دهد. اقدامات آن در دریای چین جنوبی، اعتماد جنوب شرق آسیا را به پکن به‌عنوان یک شریک مسالمت‌آمیز متزلزل کرده است. در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری، دولت چین همچنان به اعطای یارانه‌های فراوان به شرکت‌های دولتی ادامه می‌دهد و اعلام کرده است که قصد دارد تا سال ۲۰۲۵، در فن‌آوری‌ها و صنایع کلیدی خود کفا شود. شرکت‌های خارجی همچنان گزارش سرقت مالکیت معنوی و انتقال اجباری فن‌آوری را گزارش می‌دهند. اختلافات دیپلماتیک دوجانبه گاهی اوقات منجر به محدودیت هدفمند واردات از کشور متخلف می‌شود. بسته به سیاست داخلی، وابستگی اقتصادی به چین، نزدیکی جغرافیایی، ادعاهای سرزمینی، میزان احساسات طرفدار یا ضدچینی در عموم مردم، پاسخ رهبران آ.سه. آن به این دو چین متفاوت است. آن‌ها می‌خواهند از اجبار به انتخاب بین چین و آمریکا اجتناب کنند (Frost, 2021, C).

این اعتقاد کلی وجود دارد که سیاست خارجی بایدن مشابه سیاست دوران ریاست جمهوری باراک اوباما خواهد بود، زیرا بایدن در آن دولت معاون رئیس جمهور بود اما آمریکا با نبردی سخت برای مشارکت مجدد و تقویت اتحادها و مشارکت‌های خود در منطقه روبرو است. دولت اوباما حامی قوی چندجانبه‌گرایی بود، دیپلماسی را به‌عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی آمریکا در اولویت قرار داد، با متحدان و شرکای خود برای مقابله با چالش‌های مشترک همکاری کرد و توجه ویژه‌ای به آ.سه. آن داشت. این سیاست‌ها تا حد زیادی توسط ترامپ واژگون شد. کشورهای جنوب شرق آسیا به‌طور فزاینده‌ای سیاست آمریکا در قبال منطقه را تابعی از روابط آمریکا و چین می‌دانند. افزایش نفوذ چین در منطقه باعث شد اوباما روابط آمریکا را با متحدان جنوب شرق آسیا تقویت کند و توجه بیشتری به آ.سه. آن داشته باشد (Anwar, 2021, A).

غفلت ترامپ از آ.سه. آن که با عدم تعیین سفیر آمریکا در آن اتحادیه و غیبت‌های مکرر در اجلاس‌های مربوط به آ.سه. آن نشان داده شده است، باعث بی‌اعتمادی به آمریکا به‌عنوان یک شریک استراتژیک قابل اعتماد در بین کشورهای جنوب شرق آسیا شد. دولت بایدن به‌وضوح حسن نیت و انتظارات بالا را در میان کشورهای آ.سه. آن ایجاد کرده است. کشورهای آ.سه. آن با

توجه به بی‌اعتمادی روزافزون آسیای شرقی به چین، حضور اقتصادی آن و به‌طور فزاینده سیاست خارجی به ویژه در دریای چین جنوبی، مشتاق استقبال از نمود بیشتر سیاست آمریکا در منطقه هستند. آمریکا با نبردی سخت برای رقابت با چین در زمینه تأمین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه زیرساخت‌های منطقه روبرو است به‌عنوان مثال، طبق اعلام هیئت سرمایه‌گذاری اندونزی، چین در سال ۲۰۱۹، با ۴,۷۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دومین منبع مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اندونزی بود، در حالی که آمریکا با سرمایه‌گذاری ۹۸۹,۳ میلیون دلار رتبه هشتم را از آن خود کرد. علاوه بر انتظارات بزرگ، تردیدهایی نیز در مورد ریاست جمهوری بایدن وجود دارد. آمریکا با چالش‌های زیادی در زمینه داخلی به‌ویژه تأثیرات بهداشت عمومی و اقتصادی کووید ۱۹ و افزایش قطبی شدن جامعه آمریکا مواجه است. این چالش‌ها ممکن است از ظرفیت آن در جنوب شرق آسیا بکاهد. نوسانات شدید و مکرر در سیاست خارجی آمریکا از یک دولت به‌دولت دیگر، تصور قوی از غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرقابل‌اعتماد بودن آمریکا را در بلندمدت نشان می‌دهد (Anwar, 2021, B).

در سال ۲۰۱۹، تجارت کالا و خدمات بین آمریکا و آسه آن بیش از ۳۵۴ میلیارد دلار بود. آسه آن چهارمین شریک تجاری بزرگ آمریکا است. سالانه بیش از ۳,۵ میلیارد دلار تجارت از آب‌های هند و اقیانوس آرام انجام می‌شود. به‌منظور ایجاد یک منطقه امن‌تر هند و آرام، آمریکا به دنبال بهبود همکاری‌های دریایی و حمایت از قوانین و استانداردهای بین‌المللی برای حل چالش‌های ژئوپلیتیک است (<https://asean.usmission.gov>).

روابط تجاری آمریکا و جنوب شرق آسیا برای هر دو طرف بسیار مهم است. انتظار می‌رود جنوب شرق آسیا تا سال ۲۰۵۰، به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شود. اقتصاد آمریکا و جنوب شرق آسیا بسیار مکمل یکدیگر هستند. صادرات کالا و خدمات آمریکا به جنوب شرق آسیا سود قابل توجهی را برای آمریکا به همراه دارد. بیش از نیم میلیون شغل در آمریکا از طریق تجارت با آسه آن پشتیبانی می‌شود آمریکا هم‌چنان یک قدرت برجسته در جنوب شرق آسیا است و مسلماً هنوز از اهرم اقتصادی بیشتری در آسیا نسبت به چین برخوردار است. با این حال، در صورت عدم تغییر در سیاست آمریکا در مورد ترتیبات تجاری چندجانبه در آسیا، روابط به ظرفیت خود نخواهد رسید. غیبت آمریکا در مذاکرات تجاری منطقه‌ای نیز پیامدهای استراتژیکی برای آمریکا خواهد داشت. با توجه به اینکه تجارت یکی از اولویت‌های اصلی منطقه است، عدم حمایت آمریکا از ترتیبات تجاری چندجانبه، جایگاه آمریکا به‌عنوان شریک جنوب

شرق آسیا را به طور قابل توجهی تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی، رقابت استراتژیک با چین در منطقه ایندو پاسیفیک و عدم مشارکت جدی جنوب شرق آسیا در آینده معماری اقتصادی منطقه، به منافع استراتژیک آمریکا آسیب می‌رساند.

تأثیرات ابتکار کمربند- راه بر آسیا-پاسیفیک

ابتکار کمربند- راه بخشی از برنامه چین برای تقویت ارتباطات جهانی و ادغام بازار از طریق صادرات است که براساس ظرفیت توسعه زیرساخت ها، در حال تعریف مجدد از محیط اقتصادی و امنیتی جنوب شرق آسیا است. این طرح اگرچه آسیب ها و خطراتی چون بی ثباتی اجتماعی، تله بدهی، تخریب محیط زیست و... را به دنبال دارد، اما دارای منافع و مزایای اقتصادی برای اقتصادهای متنوع منطقه به ویژه برای کشورهای کمتری توسعه یافته است.

در طی ۵ سال، بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه فقط به کامبوج، اندونزی، مالزی، سنگاپور و ویتنام سرازیر شده است. بیشتر این سرمایه از منابع چینی برای توسعه پیوندهای حمل و نقل تأمین می‌شود. این پیوندها، مانند شبکه راه آهن پان-آسیا، به شهرهای چین متصل می‌شوند. ابتکار کمربند- راه ابزاری قدرتمند در اقتصاد چین است. با رشد سهام چین در کشورهای شرکت کننده در ابتکار کمربند- راه، ترجیحات پکن در سیاست‌های امنیتی و خارجی منطقه افزایش می‌یابد. دستور کار سیاسی و استراتژیک چین در حال حاضر تأثیرات تفرقه‌انگیزی بر روابط درون منطقه‌ای مربوط به دریای چین جنوبی داشته است، از جمله در تعاملات بین اعضای اتحادیه آ.سه.آن. می‌توان انتظار داشت که ابتکار کمربند- راه چالش‌های حاکمیتی در منطقه را تشدید کند. با وجود این، کشورهای جنوب شرق آسیا روابط تاریخی پیچیده‌ای با چین دارند و سعی دارند تا جایی که امکان دارد با ایجاد تنوع در سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و تقویت مشارکت با متحدان و شرکای امنیتی بین‌المللی، تأثیرات سیاسی چین را متعادل کنند (Freeman & Oba, 2019, A).

در جنوب شرق آسیا، ابتکار کمربند- راه هم خطرات و هم فرصت‌هایی را برای آمریکا و متحد مهم آن یعنی ژاپن فراهم می‌کند. آمریکا یک شریک امنیتی حیاتی برای بیشتر کشورهای منطقه است و ژاپن به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در کشورهای عضو آ.سه.آن است. با این حال، با افزایش نفوذ چین، آمریکا و ژاپن باید به دنبال استراتژی مشخص برای اثرگذاری در بازارهای جنوب شرق آسیا، نفوذ سیاسی و دسترسی نظامی باشند و با چین

¹. Belt and Road Initiative (BRI)

رقابت کنند. متحدان برای حفظ نفوذ اقتصادی و سیاسی تاریخی خود باید روابط خود را با سرمایه‌گذاری قابل توجه در زمینه دیپلماسی، توسعه اقتصادی و امنیت منطقه تقویت کنند. آمریکا باید حامی سیاست‌های مبتنی بر قوانین آ.سه. آن در منطقه باشد و ژاپن نیز باید تلاش کند موقعیت خود را به عنوان منبع اصلی سرمایه‌گذاری در جنوب شرق آسیا حفظ کند و از طریق تعهد خود برای شرکت در توافق‌نامه جامع اقتصادی منطقه‌ای^۱ نقش آ.سه. آن را به عنوان منبع حاکمیت منطقه‌ای تقویت کند (Freeman & Oba, 2019, B).

چشم‌انداز چین در مورد ابتکار کمربند- راه:

پویایی اقتصادی جنوب شرق آسیا، کسری قابل توجه زیرساخت‌ها و موقعیت استراتژیک آن در همسایگی استان‌های جنوب غربی چین و خطوط مهم دریایی در آسیا-پاسیفیک، این حوزه را به منطقه‌ای مهم برای ابتکار کمربند- راه تبدیل کرده است. این ابتکار، چین را قادر می‌سازد روابط گسترده خود با منطقه را تعمیق بخشد. چین از یک دهه پیش به عنوان مهم‌ترین شریک اقتصادی خارجی این منطقه شناخته شده است و بازار اول صادرات و هم شریک عمده وارداتی منطقه از سال ۲۰۰۹ تاکنون است. در سال ۲۰۱۴، چین توافق تجارت آزاد خود را با آ.سه آن ارتقا داد تا از لحاظ اقتصادی با منطقه ادغام شود. روابط اقتصادی چین همچنین توسط شبکه‌های غیررسمی بین چین و جوامع تجاری قدرتمند چینی در منطقه فراهم می‌شود. در حال حاضر بیش از ۴۰ میلیون چینی تبار در جنوب شرق آسیا زندگی می‌کنند (Vaughn and Morrison, 2015).

ابتکار کمربند- راه هم‌چنین استفاده از واحد پول چین توسط اعضای آ.سه. آن را گسترش داده است. اگرچه چین نزدیک به یک دهه است که با چندین کشور جنوب شرق آسیا توافق‌نامه مبادله ارزی داشته است، همکاری پولی بین بانک خلق چین و بانک‌های ملی در منطقه نیز در حال گسترش است. به عنوان مثال در نوامبر ۲۰۱۸، بانک خلق چین توافق‌نامه مبادله ارزی ۲۸,۸ میلیارد دلاری را با بانک اندونزی امضا کرد. فراتر از آن، ابتکار کمربند- راه به رفع نگرانی‌های امنیتی دیرینه چین در مورد حضور دریایی آمریکا کمک می‌کند. آنچه رئیس‌جمهور پیشین چین هوجینتاو^۲ از آن به عنوان «معضل مالاکا»^۳ نام برد حاکی از

1. The Regional Comprehensive Economic Partnership

2. Hu Jintao

3. Malacca Dilemma

وابستگی شدید چین به عبور بی رویه ۸۰ درصد از واردات نفت خود از تنگه مالاکا^۱ است. به همین دلیل سهم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری ابتکار کمربند-راه در حمل‌ونقل و تدارکات به ساخت یا گسترش بندرها و امکانات بندری اختصاص یافته است. این باعث افزایش سهم چین در مدیریت بندر و ساخت بنادر در سراسر منطقه شده است، از جمله بندری در کامبوج در خلیج تایلند^۲، بندری در مالزی در تنگه مالاکا و بندری در میانمار در خلیج بنگال^۳ است. این بندرها به ناوگان عظیم تجاری و ماهیگیری چین خدمت می‌کنند و همچنین ظرفیت چین را برای سوخت‌گیری مجدد کشتی‌ها افزایش می‌دهند (Freeman & Oba, 2019,C).

ابتکار کمربند-راه هم‌چنین از رشد اقتصادی چین پشتیبانی می‌کند و فرصت‌هایی را برای بین‌المللی‌سازی صنایع اصلی آن فراهم می‌کند. به‌طور کلی، این ابتکار تا حدی با افزایش فرصت‌های کشور برای افزایش بازده سرمایه‌گذاری، استفاده از ظرفیت صنعتی بیش‌ازحد و افزایش اشتغال در بخش عظیم ساخت‌وساز، به رشد چین کمک می‌کند. علاوه بر این، استان‌های جنوب غربی چین که از نظر اقتصادی عقب‌مانده‌اند، مدت طولانی است که چشم‌انداز اتصال از طریق جاده‌ها و ریل‌ها به جنوب شرق آسیا و بنادر آن را دارند.

هم‌چنین، ابتکار کمربند-راه فرصت شرکت‌های زیرساخت چینی را گسترش می‌دهد. این شرکت‌های عمدتاً دولتی با مشارکت قابل توجه در توسعه منابع طبیعی در کامبوج، لائوس و میانمار در جنوب شرق آسیا فعالیت می‌کنند. چین تلاش کرده است تا از ابتکار کمربند-راه برای گسترش استفاده از تجهیزات فن‌آوری اطلاعات تولیدشده در چین به‌عنوان بخشی از جاده ابریشم دیجیتال استفاده کند. پکن علاوه بر توسعه قطب اطلاعات چین-آ.سه.آ. برای مبادلات در فضای مجازی، درصد گسترش پیوندهای دیجیتالی در منطقه است (Freeman & Oba, 2019,D).

جاده ابریشم دیجیتال باهدف توسعه تجارت الکترونیکی فرامرزی و پیشبرد توسعه اقتصادی دیجیتالی انجام می‌شود که در زمینه‌های تسهیل نفوذ اینترنت برای بستن «شکاف دیجیتالی»، تقویت اشتراک نوآوری فن‌آورانه از طریق مراکز منطقه‌ای برای تسریع انتقال فن‌آوری و تحقیق و توسعه، اشتراک‌گذاری فرهنگ اینترنتی خوب و باکیفیت، به اشتراک‌گذاری

^۱. تنگه مالاکا یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان شناخته می‌شود که اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی در اقیانوس آرام متصل می‌سازد. نزدیک به یک چهارم از محموله‌های نفت خام دنیا از این تنگه عبور می‌کنند که پس از تنگه هرمز مهم‌ترین شاهراه حمل‌ونقل دریایی نفت در دنیا بشمار می‌رود. سالانه ۵۰ هزار کشتی از این تنگه تردد می‌کنند.

^۲. Sihanoukville.

^۳. Kyaukpyu

مدیریت شبکه، بهبود همکاری و گفت‌وگو در فضای سایبری سرمایه‌گذاری می‌کند و با مشاغل الکترونیکی مستقر در جنوب شرق آسیا همکاری دارد. برای نمونه، شرکت علی‌بابا اکنون برنامه تجارت الکترونیکی مستقر در سنگاپور به نام گروه لازادا^۱ را اداره می‌کند که اکنون بزرگ‌ترین سازوکار تجارت الکترونیک در جنوب شرق آسیا است و ۵۶۰ میلیون مصرف‌کننده را در شش بازار متصل می‌کند. تجارت دیجیتالی با جنوب شرق آسیا با توجه به ارزش ۵۰ میلیارد دلاری اقتصاد دیجیتالی این منطقه، از نظر اقتصادی و استراتژیکی برای چین اهمیت دارد، این رقم در پنج سال آینده چهار برابر می‌شود و اهمیت جنوب شرق آسیا را در رقابت استراتژیک آمریکا و چین چند برابر خواهد کرد (Freeman & Oba, 2019,E).

چشم‌اندازهای کشورهای جنوب شرق آسیا در مورد ابتکار کمربند- راه

کشورهای جنوب شرق آسیا در بیشتر موارد از زمان آغاز به کار ابتکار کمربند- راه توسط چین در سال ۲۰۱۳، از آن استقبال کرده‌اند. بانک جهانی ظرفیت قابل توجهی برای تأثیرات مثبت این طرح بر تجارت منطقه، سرمایه‌گذاری، فعالیت اقتصادی و رشد فراگیر قائل است، از جمله کاهش فقر، اصلاحات سیاسی و ارتقای همکاری در منطقه از اثرات مثبت این طرح است. طرح کمربند-راه به عنوان منبع محرک اقتصادی در مسیر تبدیل شدن منطقه به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تا اواسط قرن ۲۱ کمک خواهد کرد. ابتکار کمربند- راه هم‌چنین منابعی را برای کمک به منطقه در جهت پیشرفت و تحقق اهداف توسعه‌ی زیرساخت ارائه می‌دهد. همان طور که در «برنامه جامع ۲۰۱۰ اتصال آ.سه.ان»^۲ منعکس شده است، این اهداف قبل از راه‌اندازی ابتکار کمربند- راه دنبال می‌شد و کشورهای شرکت‌کننده در طرح نیز برنامه‌های توسعه‌ی زیرساخت‌های ملی خود را مانند دالان اقتصادی تایلند، طرح جامع تسهیل تجارت مالزی^۳، جاه طلبی اندونزی برای تبدیل شدن به «محور جهانی دریایی»^۴ و طرح جامع حمل‌ونقل میانمار دارند. با این وجود همه کشورهای جنوب شرق آسیا به طور کامل از ابتکار کمربند- راه استقبال نکرده‌اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۸، مالزی چندین پروژه با حمایت مالی چین را لغو کرد و تعدادی دیگر از این پروژه‌های زیربنایی را پس از آن که نخست‌وزیر تازه انتخاب‌شده، ماهاتیر

¹. Lazada Group

². Master Plan on ASEAN Connectivity

³. Malaysia's Logistics and Trade Facilitation Master Plan.

⁴. Global Maritime Axis.

محمد، آن‌ها را به عنوان «معاهدات نابرابر»^۱ تقبیح کرد، به طور موقت متوقف کرد. فیلیپین نیز با وجود نیازهای زیرساختی کشور، در پیگیری پروژه‌ها کند است. به همین ترتیب، ویتنام نگرانی‌هایی در مورد جاده ابریشم دریایی ابتکار کمربند-راه دارد؛ مسیری که از دریای چین جنوبی عبور می‌کند (که ویتنام آن را دریای شرقی می‌نامد)، جایی که هانوی نیز با ادعاهای گسترده دریایی چین رقابت می‌کند. این تنش‌ها باعث شده هانوی نسبت به تأمین نیازهای عظیم توسعه زیرساخت خود از طریق ابتکار کمربند-راه محتاط باشد. علائم دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد بازیگران منطقه‌ای در برابر «نظم اقتصادی چین محور»^۲ قرار دارند. ژاپن و چندین کشور آ.سه. آن به توافق‌نامه جامع مشارکت اقیانوس آرام^۳ پیوستند که چین عضو آن نیست. تصویب توافق‌نامه تجارت چندجانبه با کاهش تعرفه‌ها در میان یازده کشور از جمله استرالیا؛ برونئی؛ کانادا؛ شیلی؛ ژاپن؛ مالزی؛ مکزیک؛ نیوزیلند؛ پرو؛ سنگاپور و ویتنام، نشان می‌دهد که کشورهای منطقه به دنبال جایگزین‌هایی برای کاهش وابستگی به چین هستند. استقبال تا حدودی محتاطانه از ابتکار کمربند-راه و تأثیر بالقوه توافق‌نامه جامع مشارکت اقیانوس آرام بر نقش چین در منطقه مهم است. ابتکار کمربند-راه بدون تردید در حال افزایش نفوذ چین در منطقه است و مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای را که برای دهه‌ها توسط آمریکا و متحدانش در منطقه حاکم بوده تغییر می‌دهد (Freeman & Oba, 2019, F).

حجم تجارت بین چین و آ.سه. آن در سال ۲۰۲۰، به بالاترین رکورد رسید و از آن زمان به رشد خود ادامه داده است. علاوه بر این، ابتکار کمربند-راه سهم نسبی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین را در منطقه افزایش داده است. اگرچه ژاپن با اختلاف زیاد بهترین و بالاترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای جنوب شرق آسیا است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین نیز به سرعت در حال توسعه به کشورهای کمتر توسعه‌یافته آ.سه. آن، از جمله در بخش زیرساخت‌ها است. پس از دیدارهای وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۱۸ از منطقه، به نظر می‌رسد که فیلیپین با وجود اختلاف در مورد حاکمیت با چین، چین را برای توسعه بندر داوائو^۴ به عنوان یک مسیر جاده ابریشم دریایی پذیرفته است. به همین ترتیب ویتنام با چین یک یادداشت تفاهم برای ارتقای روابط دوجانبه امضا کرده است. برخی

1. Unequal Treaties.

2. China-centric economic order.

3. Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership (CPTPP)

4. Port of Davao

کشورهای منطقه با وجود اختلافات دریایی با چین، از جمله مشتریان سنتی آمریکا مانند مالزی و تایلند اقدام به خرید تجهیزات نظامی از چین نموده‌اند (Freeman & Oba, 2019, G). از منظر اقتصادی، ابتکار کمربند- راه در قالب «توپ-پره»^۱ طراحی شده است که چین نقش محور را در آن دارد. همین موجبات نگرانی کشورهای کوچک‌تر منطقه بابت تسلط چین بر اقتصاد آن‌ها را فراهم نموده است که به جای آن که این طرح باعث تقویت و توسعه اقتصادی آن‌ها گردد، باعث تسلط چین بر بخش‌های تولیدی شود و هم‌چنین شرکت‌های بزرگ چینی با گسترش نفوذ خود در منطقه و در بخش‌های زیرساختی باعث تضعیف اصولی چون «عدم تبعیض و احترام به اصول بازار»^۲ شوند. نبود شفافیت در وام‌های پرداختی در قالب ابتکار کمربند- راه باعث افزایش ریسک بدهی دولت‌های ضعیف منطقه همچون کامبوج و لائوس شده است. از منظر سیاسی گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری چین در آسیا، این کشور را به‌عنوان یکی از سهامداران اصلی در منطقه‌ای که چین نیز منافع ملی مورد مناقشه را با توجه به حقوق و حاکمیت دریایی در دریای چین جنوبی دنبال می‌کند، تبدیل کرده است. چین به احتمال زیاد از نفوذ خود برای ارتقای منافع منطقه‌ای خود استفاده خواهد کرد، همان‌طور که در سال ۲۰۱۲، زمانی که کامبوج، یکی از اهداف موردعلاقه چین برای کمک و سرمایه‌گذاری، از موقعیت خود استفاده کرد تا مانع تلاش برای درج بندهایی مربوط به مناطق مورد مناقشه دریای چین جنوبی شود. در نتیجه، جلسه آسیا-آسیا برای اولین بار در تاریخ چهل و پنج‌ساله اتحادیه نتوانست بیانیه مشترکی ارائه دهد. (Freeman & Oba, 2019, H)

در کشورهای شرکت‌کننده در ابتکار کمربند- راه به‌ویژه در کشورهای چینی‌بازیرگر غالب اقتصادی است، مانند کامبوج و لائوس، نفوذ بیشتر چین باعث تقویت حاکمیت استبدادی و کاهش پیشرفت در زمینه حقوق بشر و شفافیت می‌شود. صادرات فن‌آوری اطلاعات و هوش مصنوعی توسط چین برای ایجاد جاده ابریشم دیجیتال می‌تواند با ارائه ابزارهای نظارتی قدرتمند به کشورهای شرکت‌کننده مانند لائوس که از جمله شرکای چین در راه‌اندازی این تلاش دیجیتال بود، این روند را تقویت کند. نگرانی‌های دیگر در مورد پروژه‌های ابتکار کمربند- راه در سراسر منطقه شامل پیامدهای زیست‌محیطی، احتمال افزایش جرائم فرامرزی و فساد و تأثیر منفی بر جوامع بومی است که ممکن است منافع و حقوق آن‌ها نادیده گرفته شود.

1. hub-and-spokes

2. Nondiscrimination and respect for market principles.

علاوه بر این، چین ابتکار کمربند-راه را به عنوان سهم چین در «کالاهای عمومی»^۱ جهانی و منطقه‌ای، از جمله با تقویت تجارت آزاد، توسعه بین‌المللی و حاکمیت که بیشتر شامل کشورهای در حال توسعه است، تنظیم کرده است. تصور بسیاری از مردم منطقه مبنی بر این که آمریکا تمایل کمتری دارد یا قادر به تأمین کالاهای عمومی جهانی و منطقه‌ای است، جذابیت پیام چین را تقویت کرده است. در درازمدت، این وضعیت می‌تواند اعتبار رهبری آمریکا در منطقه را تضعیف کند. سرانجام، ساخت بنادر توسط چین در منطقه را می‌توان به عنوان بخشی از معماری در حال ظهور امنیت جهانی چین در نظر گرفت. دسترسی تضمینی بندر در سراسر منطقه، به چین این امکان را می‌دهد تا نه تنها از خطوط حمل‌ونقل تجاری و جریان‌های حیاتی انرژی بهتر محافظت کند و در عملیات ضدزدی، بشردوستانه و امدادسانی به بلایای طبیعی شرکت کند بلکه حضور نظامی فعال چین را در منطقه تسهیل کند. هنوز مشخص نیست که ارتش چین چگونه می‌تواند در محافظت از سرمایه‌گذاری کمربند-راه چینی و شهروندان درگیر در پروژه‌های کمربند-راه نقش داشته باشد. برخی ارزیابی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق^۲ و همچنین نیروهای شبه‌نظامی چینی به زودی می‌توانند در کنار پیمانکاران خصوصی در خارج از کشور فعالیت کنند، علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های کلان و حضور بیشتر شهروندان چینی که در خارج از کشور همراه با پروژه‌های «کمربند-راه» کار و زندگی می‌کنند، می‌تواند تقاضای فزاینده‌ای را برای توانایی‌های اعزامی ارتش در آینده ایجاد کند. (Freeman & Oba, 2019, I)

بنابراین، برای آمریکا ابتکار کمربند-راه مجموعه‌ای از خطرات اقتصادی، سیاسی و امنیتی را، به ویژه در میان نگرانی‌های روزافزون کشورهای آسیه. آن در مورد اعتبار و عمق تعهد آمریکا به منطقه به دنبال دارد. نکات منفی اقتصادی طرح کمربند-راه برای آمریکا با جنبه‌های سیاست اقتصادی آمریکا در قبال جنوب شرق آسیا تشدید می‌شود. اگرچه کشورهای منطقه به طور کلی از فرصت توسعه روابط نزدیک با آمریکا برای تعادل در برابر نفوذ روزافزون چین استقبال می‌کنند، اما برنامه‌های توسعه‌یافته چین برای سرمایه‌گذاری‌های طولانی‌مدت و قابل توجه در منطقه با تصور عدم توجه یا عدم انسجام آمریکا، مانند تصمیم دولت دونالد ترامپ برای خاتمه مشارکت آمریکا در مشارکت فراپاسیفیک در تضاد است. کشورهای جنوب شرق آسیا همچنین نگرانند که آمریکا با دنبال کردن معادلات دوجانبه با هر کشور به دنبال رفع کسری تجارت

^۱. Public Good: a commodity or service that is provided without profit to all members of a society

^۲. People's Liberation Army (PLA)

منطقه ای خود باشد و ممکن است واشنگتن از کشورهای منطقه بخواهد کمک‌های نظامی بیشتری برای حمایت از اهداف تحت رهبری آمریکا انجام دهند. این تحولات همه در حال تضعیف نفوذ نسبی آمریکا و همچنین تأثیر نهادهایی هستند که نیروهای مثبتی برای حقوق بین‌الملل و یک سیستم تجارت باز در منطقه بوده‌اند. روابط قوی آمریکا با آسه آن برای تشویق اتحادیه اروپا جهت تحت فشار قرار دادن چین برای پیروی از قوانین بین‌المللی دریایی در مورد اختلافات در دریای چین جنوبی و مقاومت در برابر نظامی شدن بیشتر جزایر تحت کنترل چین نیز مهم است. با گسترش و تعمیق روابط منطقه‌ای چین از طریق کمربند-راه همکاری‌های نظامی این کشور با برخی از کشورهای شرکت‌کننده در این طرح نیز ممکن است رشد کند، این امر منافع امنیتی آمریکا و توانایی ارتش آن در منطقه را پیچیده می‌کند. کشورهای جنوب شرق آسیا در حال حاضر مشتریان عمده سخت‌افزار نظامی چین هستند و روندها نشان می‌دهد که چین در مسیر تبدیل شدن به منبع اصلی تأمین سلاح برای منطقه است که در حال حاضر بازار مهمی برای تجهیزات نظامی آمریکا است (Freeman & Oba, 2019, J).

طبق آمار موسسه تحقیقاتی سیپری، بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۶، ۴۲ درصد از سهم واردکنندگان بزرگ تسلیحات در جهان، متعلق به حوزه آسیا- پاسیفیک با رتبه اول بوده است؛ به عبارت دیگر از ۲۰ واردکننده بزرگ جهان ۹ کشور در این حوزه قرار دارند: هند رتبه دوم با سهم ۹/۵٪، استرالیا رتبه چهارم با سهم ۵/۱٪، چین رتبه پنجم با ۴/۷٪، کره جنوبی رتبه هفتم با سهم ۴/۳٪، ژاپن رتبه دوازدهم با سهم ۲/۲٪، آمریکا با رتبه سیزدهم و سهم ۲/۱٪، ویتنام رتبه شانزدهم و سهم ۱/۸٪، سنگاپور رتبه هفدهم با سهم ۱/۷٪ و اندونزی رتبه هجدهم با سهم ۱/۷٪ را دارد. در این میان چین به ۵۱ کشور تسلیحات صادر کرده است که ۷۶ درصد از آن در حوزه آسیا- پاسیفیک می‌باشد (wezeman & wezeman, 2021).

استراتژی هند و آرام باز و آزاد^۱

دولت ترامپ در پاسخ به ابتکار کمربند-راه چین، استراتژی «هند و آرام باز و آزاد» را مطرح کرد. این استراتژی در راستای برقراری توازن در برابر فعالیت‌های چین در منطقه است از گسترش نفوذ نظامی در دریای چین جنوبی تا توسعه اقتصادی در اقیانوس هند را شامل می‌شود. مفهوم هند و آرام اولین بار توسط شینزو آبه نخست‌وزیر وقت ژاپن در سال ۲۰۰۷

^۱. Free and Open Indo-Pacific (FOIP)

مطرح شده بود. ژاپن و آمریکا در حفظ رفاه، امنیت و نظم مبتنی بر قوانین در پویاترین منطقه جهان یعنی ایندو پاسیفیک منافع اساسی دارند. این منطقه نشانه بارز تنوع است که هم شامل اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه، دموکراسی‌ها و دولت‌های استبدادی، قدرت‌های قاره‌ای و دریایی و هم طیف وسیعی از صف‌آرایی‌ها است. این هم‌سویی‌ها از اتحاد رسمی و گروه‌های کوچک کشورهای همفکر گرفته تا نهادهای چندجانبه با هدف اجماع گسترده در مورد هنجارهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر منطقه را شامل می‌شود. (Szechenyi, Hosoya, 2019).

توازن قدرت منطقه به طور فزاینده‌ای مورد مناقشه است، زیرا چین در تلاش است نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهد و از تاکتیک‌های قهرآمیز استفاده می‌کند که تهدیدکننده تضعیف اصول پایداری است که ژاپن، آمریکا و دیگر کشورها از آن حمایت می‌کنند. پویایی در «هند و آرام» مستلزم استراتژی جامعی است که تنوع منطقه‌ای را محاسبه کند، پایبندی به اصول مشترک را تشویق کند و از ابزارهای مناسب برای مدیریت رقابت استراتژیک با چین استفاده کند. تعاملات در منطقه در نهایت عناصر رقابت و همکاری با چین را به نمایش می‌گذارد، برای مقابله با این چالش، ژاپن و آمریکا از اصطلاح «هند و آرام» به عنوان چارچوبی برای استراتژی‌های منطقه‌ای خود استفاده کرده‌اند، اما دیدگاه‌های دو کشور در مورد چالش‌ها و فرصت‌های موجود یکسان نیست. نخست‌وزیر ژاپن، شینزو آبه، در سال ۲۰۱۶ رسماً استراتژی هند و آرام را به عنوان شبکه‌ای از کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای معرفی کرد که ارزش آزادی، حاکمیت قانون و اقتصاد بازار را «بدون زور و اجبار» ارزیابی می‌کنند و به عنوان پایه‌ای برای صلح و رفاه عمل می‌کنند. دولت ژاپن تأکید می‌کند که «هند و آرام» برای مقابله با راهبردهای استراتژیک پکن در زمینه توسعه زیرساخت‌ها یا جلوگیری از افزایش صعود چین نیست. با این وجود، استراتژی «هند و آرام» بدون شک حاوی عناصری از تلاش برای مدیریت رقابت استراتژیک منطقه‌ای است. نگاه به «هند و آرام» در ژاپن برای تسهیل دیپلماسی دوجانبه با چین از اصطلاح استراتژی به سمت توصیف «چشم انداز» یا «مفهوم» تغییر یافته است، اما برخلاف توصیف ژاپنی از هند و آرام، آمریکا، چین را به عنوان تهدیدی آشکار علیه منافع جامعه جهانی می‌داند. با این وجود، عدم شفافیت در تعریف «هند و آرام»، این چارچوب می‌تواند به عنوان یک سازوکار هماهنگی برای بررسی راه‌هایی باشد که ژاپن و آمریکا می‌توانند اولویت‌های استراتژیک مربوطه خود را در هند و اقیانوسیه تراز کنند. گفت‌وگوی آمریکا و ژاپن و ارتباط با سایر سهامداران منطقه‌ای می‌تواند در توسعه مفهوم «هند و آرام» و تعیین این که آیا

می‌تواند به شکل‌گیری رفتار چین به نفع نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین موجود کمک کند، حیاتی است. معضلی که ژاپن و آمریکا با آن روبرو هستند این است که آن‌ها از وابستگی متقابل اقتصادی با چین بهره‌مند می‌شوند اما نگران اقدامات چین در عرصه‌های امنیتی و اقتصادی هستند که به طور بالقوه می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را در جهت یک نظم چین‌محور تغییر دهد. در حالی که دولت ژاپن تأکید کرده است که «هند و آرام» به‌منظور مهار صعود چین نیست، اما در حال ایجاد تعادل بین همکاری و رقابت با چین، سایر کشورهای منطقه را تشویق می‌کند از قوانین و ضوابطی که احتمالاً هدف آن‌ها شکل دادن به رفتار چین است، استفاده کنند. رویکرد آمریکا مستلزم استفاده از ساختار هند و آرام برای ارائه چشم‌انداز رقابتی برای نظم منطقه‌ای است که اتحادهای آمریکا را تقویت می‌کند (Szechenyi, Hosoya, 2019).

پنتاگون در سال ۲۰۱۹، گزارشی در خصوص این استراتژی منتشر کرد که در آن بر آمادگی آمریکا، مشارکت، ایجاد یک منطقه شبکه‌ای و اینکه منطقه هند و آرام تنها منطقه‌ای است که برای آینده آمریکا اهمیت دارد، تأکید شده بود. این منطقه با دارا بودن نیمی از جمعیت جهان، ۷ ارتش از ۱۰ ارتش بزرگ جهان، ۹ بندر از ۱۰ بندر مهم و شلوغ جهان و سایر موارد، باعث شده تا آمریکا خود را متعهد به امنیت و آزادی و باز نگه داشتن خطوط دریایی آن بداند. اهداف هند و آرام آمریکا شامل موارد زیر است:

- افزایش رفاه مشترک از طریق تجارت عادلانه و متقابل و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در هند و آرام؛
- پیشبرد همکاری آمریکا با شرکای منطقه‌ای در زمینه‌هایی مانند انرژی، زیرساخت‌ها و اقتصاد دیجیتال،
- ترویج حکمرانی خوب و جامعه مدنی در زمینه‌هایی که شامل جلوگیری از فساد است؛
- احترام به حاکمیت و استقلال ملت‌ها؛
- ارتقا شفافیت و حاکمیت قانون؛ و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛
- اطمینان از نظم منطقه‌ای صلح‌آمیز و ایمن که از حقوق و آزادی‌های دریایی در دریاهای شرق و جنوب چین محافظت می‌کند.

این گزارش توجه بسیاری به منطقه جنوب شرق آسیا دارد به ویژه تقویت اتحاد با تایلند و فیلیپین، گسترش همکاری با سنگاپور، تعمیق روابط با شرکای در حال ظهور مانند ویتنام، اندونزی و مالزی و تقویت روابط با کامبوج، لائوس و برونئی (Stromseth, 2019, 7).

استراتژی «هند و آرام» از چند جنبه به سیاست «آسیامحوری یا سیاست توازن مجدد»^۱ اوباما شباهت دارد. قرار دادن آسیا- پاسیفیک به عنوان مرکز ثقل سیاسی و اقتصادی جهان و تقویت اتحادهای آمریکا با کشورهای منطقه، تعمیق روابط با شرکای در حال ظهور مانند هند و ویتنام و افزایش شبکه سازی در میان متحدان و شرکای آمریکا از جمله شباهت های این دو سیاست است، اما حداقل از دو منظر متفاوت اند: اول اینکه اوباما به دنبال ایجاد یک رابطه سازنده با چین و یافتن تعادل بین همکاری و رقابت بود در حالی که ترامپ منحصراً روی رقابت متمرکز شد؛ دوم اینکه اوباما از رویکردهای چندجانبه مانند مشارکت فرا پاسیفیک در مورد چین طرفداری می کرد در حالی که ترامپ بر روابط تجاری دوجانبه و خروج از آن متمرکز بود (Vaughn & Morrison, 2015).

هدف طرح شده در گزارش پنتاگون، این است که اتحاد و همکاری های آمریکا به یک ساختار امنیتی شبکه ای برای حمایت از نظم مبتنی بر قوانین بین المللی تبدیل شود. از منظر آمریکا، چین به دلیل رفتارهای تهاجمی و غارتگرانه به ویژه نظامی کردن دریای چین جنوبی، نظم بین المللی را تضعیف می کند و با اهرم فشار اقتصادی به دنبال هژمونی منطقه ای به عنوان پیش زمینه هژمونی جهانی در بلندمدت است. در این بین، دو مدل رقابتی بسیار متفاوت از توسعه و کمک در سطح بین المللی وجود دارد: یک مدل، رویکرد استبدادی با «وام های غارتگرانه در پوشش کمک رسانی»^۲ و مدل دیگر رویکرد آمریکایی مبتنی بر تبدیل کردن کشورهای دریافت کننده کمک به شریک است تا این کشورها خود آینده شان را بسازند (www.usaid.gov, 2018).

آمریکا دارای روابط تجاری و سرمایه گذاری قوی با ده کشور آ.سه. آن است. این اتحادیه چهارمین شریک تجاری بزرگ آمریکا و دارای تولید ناخالص داخلی بیش از ۲,۹ تریلیون دلار است. در سال ۲۰۱۹، صادرات کالاهای آمریکا به آ.سه. آن ۸۶,۱ میلیارد دلار و صادرات خدمات به ۳۹ میلیارد دلار رسید. واردات کالاهای آمریکایی از آ.سه. آن در سال ۲۰۱۹، بالغ بر ۲۰۶,۳ میلیارد دلار و واردات خدمات ۲۳,۳ میلیارد دلار بوده است. همچنین آ.سه. آن ۳۳۸/۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی از آمریکا دریافت کرده است، بیشتر از آنچه آمریکا در چین، هند، ژاپن و کره جنوبی سرمایه گذاری کرده باشد (https://ustr.gov, 2019).

مشارکت بیش از یک دهه آمریکا با کامبوج، لائوس، میانمار، تایلند و ویتنام برای پیشبرد رشد اقتصادی پایدار در این منطقه از دیگر موارد نقش آمریکا در قالب حمایت از «ابتکار

¹. pivot to Asia or Rebalance policy.

². predatory lending dressed up as assistance.

مکونگ^۱ است هرچند که تعهدات اقتصادی چین در این منطقه در حال رشد بوده و در برخی موارد از آمریکا فراتر رفته است. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری آ.سه.آن در یک دهه گذشته بوده و حجم تجارت آن در سال ۲۰۲۰، رتبه اول را به دست آورد و به ۷۳۱ میلیارد دلار رسید (Global Times, 2021)، در حالی که این رقم در مورد آمریکا ۳۵۵ میلیارد دلار بوده است. چین رتبه سوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آ.سه.آن بعد از آمریکا و ژاپن را دارد و بزرگ‌ترین منبع گردشگری با بیش از ۲۵ میلیون گردشگر که در سال ۲۰۱۷ از کشورهای حوزه آ.سه.آن بازدید کرده‌اند، می‌باشد اما از آمریکا تنها چهار میلیون نفر گردشگر به این منطقه سفر کرده‌اند (ASEAN Stats, 2019). چین حتی اگر در زمینه گردشگری، تعداد شهروندانش را که از یک کشور در جنوب شرق آسیا بازدید کرده‌اند، کاهش دهد خود یک اهرم فشار بر اقتصاد آن کشور خواهد بود.

با وجود تمامی این موارد، کشورهای منطقه در نحوه مدیریت اجرای ابتکار کمربند-راه و مذاکره با چین هوشمندتر شده‌اند به‌ویژه بعد از تجربه مالزی، اندونزی هم قصد دارد به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه، کریدور اقتصادی با سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری در کشور ایجاد کند و برای این اقدام بلندپروازانه نیاز به سرمایه‌گذاری چین دارد اما چهار شرط را تعیین نموده است:

- استفاده از فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست؛
- حداکثر استفاده از نیروی کار بومی؛
- انتقال دانش فناوری به سرمایه‌گذاران بومی؛
- ایجاد ارزش افزوده برای صنایع بالادستی و پایین‌دستی در اندونزی (Lee, 2019).

همین‌گونه درخواست‌ها موجب شد تا چین در دومین نشست کمربند-راه در آوریل ۲۰۱۹، بر مواردی چون ظرفیت یادگیری از اشتباهات اجرایی، متوازن کردن پروژه‌ها، قبول انتقادات و اصلاح آن‌ها تأکید کند و این با استقبال گسترده در کشورهای جنوب شرق آسیا مواجه شد. در اجلاس دیگری در همان سال که با حضور نه عضو آ.سه.آن در پکن برگزار شد رئیس‌جمهور چین تلاش کرد تا به منطقه نسبت به رشد پایدار اقتصادی در قالب اجرای ابتکار کمربند-راه اطمینان دهد و در بیانیه مشترک در پایان اجلاس بر تعهد مشترک برای پیشبرد همکاری با کیفیت بالا و پایدار و سرمایه‌گذاری و زیرساخت سبز تأکید گردید ((Belt and road forum, 2019).

¹. Mekong Initiative.

در این راستا، کشورهای آسیه. آن هر یک در تلاش اند تا با متوازن سازی اجرای ابتکار کمربند- راه در منطقه بیشترین نقش را داشته باشند. اندونزی بیست و سه توافق نامه در این خصوص امضا کرد و مالزی اعلام کرد که کاملاً از این طرح حمایت می کند در حالی که پیش از این، ماهاتیر محمد این طرح را «سخه جدید استعمار»^۱ خوانده بود (Parameswaran, 2019).

با وجود این که رشد اقتصادی چین در حال کند شدن است اما در مجموع انتظار می رود که اقتصاد چین در دهه های آینده از اندازه اقتصاد آمریکا فراتر رود. در ارزیابی قدرت کشورها توسط موسسه لووی در سال ۲۰۲۰ که براساس هشت شاخص توانمندی نظامی، شبکه های دفاعی، ظرفیت اقتصادی، نفوذ دیپلماتیک، نفوذ فرهنگی، روابط اقتصادی، تاب آوری و منابع آینده^۲ انجام شده است، آمریکا در سال ۲۰۲۰، امتیاز ۸۱٫۶ و چین ۷۶٫۱ از ۱۰۰ را در بین این هشت شاخص دریافت کرده بود اما در سال ۲۰۳۰، شاخص اقتصادی چین امتیاز ۱۰۰ و آمریکا امتیاز ۸۱٫۱ را دریافت خواهد کرد و در رتبه اول قرار خواهد گرفت. هند، ژاپن، روسیه، اندونزی، کره جنوبی، استرالیا، تایوان و مالزی به ترتیب در جایگاه سوم تا دهم قرار خواهند گرفت (The Lowy Institute, 2020).

با توجه به این آمار و روند اقتصادی پیش بینی شده، جای تعجب نیست که این منطقه نمی خواهد بین آمریکا و چین چه در سطح دیپلماتیک و چه در حوزه استراتژیک یکی را انتخاب کند. با وجود اینکه کشورهای منطقه عمیقاً از مشارکت آمریکا در تأمین امنیت منطقه رضایت دارند اما در حوزه اقتصادی واقعیت ها حاکی از آن است که تمایلی به انتخاب یکی در مقابل دیگری ندارند و نوع جدیدی از گروه بندی «کشورهای هم فکر»^۳ در حال ظهور است؛ یعنی کشورهایی که نمی خواهند مجبور به انتخاب بین واشنگتن و پکن شوند و ترجیح می دهند بر روی ثبات منطقه ای، همکاری چندجانبه، رشد اقتصادی و حفظ فضای باز تجاری متمرکز شوند (Stromseth, 2019).

چشم انداز روند سیاسی - اقتصادی در آسیا - پاسیفیک؛ فرصت ها و چالش ها:

در حوزه اقتصادی؛ منطقه آسیا- پاسیفیک پویاترین منطقه از منظر اقتصادی در سطح جهان است. امروز اقتصاد این منطقه بیش از نیمی از تولید اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است. براساس برآورد کمیته اقتصادی مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی آمریکا تا سال ۲۰۵۰ اگر همین روند رشد در منطقه تداوم یابد، جمعیت شهری آن از ۱ میلیارد و ۶۰۰

1. New version of colonialism.

2. Future Resources

3. like-minded countries.

میلیون نفر به ۳ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت و سهم منطقه از تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی بیش از ۵۰ درصد رشد خواهد داشت. سرانه تولید ناخالص داخلی چین سه برابر شده و از ۱۴ هزار دلار به ۵۰ هزار دلار می‌رسد و هند نیز با تحویلی عظیم، درآمد سرانه خود را معادل فرانسه و انگلیس امروزی خواهد کرد. اندونزی سومین کشور بزرگ منطقه جزو پنج کشور برتر در جدول جهانی تولید ناخالص داخلی می‌شود. بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه منطقه همچون ویتنام، فیلیپین، پاکستان و مالزی در میان دارندگان بیشترین رشد در جهان تا سال ۲۰۵۰ خواهند شد. کشورهای ثروتمند فعلی آسیا همچون ژاپن، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور روند رشد خود را به آهستگی ادامه خواهند داد و همچنان پرچم دار حوزه فن آوری و فناوری خواهند بود. طبق پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول و مؤسسات معتبر اقتصادی تا سال ۲۰۵۰ میلادی شاهد جابجایی رشد و قدرت اقتصادی از آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن به سمت بازارهای نوظهور^۱ هستیم. از بین هفت قدرت اقتصادی جهان شش قدرت آن جزو اقتصادهای نوظهور خواهند بود. بر این اساس تا سال ۲۰۳۰، چین علی‌رغم کند شدن روند رشد اقتصادی، جای آمریکا را به‌عنوان اقتصاد برتر جهان خواهد گرفت (PricewaterhouseCoopers(PWC), 2017).

در یک دهه آینده، آسیا پاسیفیک رشد سالانه ۴/۵ درصد خواهد داشت. علت اصلی این رشد ارتقای توان اقتصادی چین، هند و کشورهای جنوب شرق آسیا است. در حوزه جذب سرمایه‌گذاری نیز بیشترین میزان جذب در آسیا متعلق به ده کشور است: در شمال آسیا؛ چین، در جنوب شرق آسیا؛ اندونزی، ویتنام، فیلیپین، میانمار، مالزی و تایلند و در جنوب آسیا؛ هند، سریلانکا و بنگلادش. تا سال ۲۰۳۰، چهار عضو آ.سه. آن یعنی اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند وارد باشگاه تریلیون‌های آسیا خواهند شد و میزان تولید ناخالص داخلی آن‌ها به یک تریلیون دلار خواهد رسید. این مسئله به افزایش اهمیت ژئوپلیتیک و جایگاه اقتصادی آسه آن در سطح بین‌المللی کمک شایانی خواهد کرد. براساس برآوردها، ویتنام با رشد سالانه ۶/۵ درصد، رتبه اول سریع‌ترین نرخ رشد را به دست می‌آورد. توافق‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا و توافق‌نامه مشارکت جامع فراسیسیفیک با کاهش تعرفه‌ها باعث رشد سریع ویتنام می‌شود. بعد از آن مالزی قرار دارد. اقتصاد این کشور تا سال ۲۰۳۰ به سمت تولید خدمات با ارزش افزوده بالا حرکت می‌کند. رشد در بخش خدمات، آموزش، حمل‌ونقل هوایی و گردشگری، مالزی را به مهم‌ترین صادرکننده خدمات در جنوب شرق آسیا تبدیل خواهد کرد. (PricewaterhouseCoopers(PWC), 2017).

^۱ شامل چین، هند، اندونزی، برزیل، روسیه، مکزیک و ترکیه است (E7 Emerging Markets).

فیلیپین یکی دیگر از بازارهای پیشرو در منطقه است. این کشور بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ رشد سالانه ۶ درصد داشته است. با این میزان نرخ رشد حجم اقتصاد آن از ۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶، به ۷۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۵ و به یک تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. اندونزی بزرگ‌ترین اقتصاد جنوب شرق آسیا و یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای نوظهور با رشد شدید تقاضای مصرف و سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی، تولید ناخالص داخلی اندونزی تا سال ۲۰۳۰، به ۳ تریلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این میزان رشد نفوذ ژئوپلیتیک جهانی اندونزی را به عنوان یک بازار بزرگ نوظهور افزایش خواهد داد و به یک بازیگر اثرگذار در نهادهای بین‌المللی از جمله گروه بیست تبدیل خواهد کرد. این کشور با رشد جمعیت ۲۵۰ میلیون نفری که هزینه‌های مصرف آن به سرعت رو به افزایش است به یک بازار جذاب برای شرکت‌های چندملیتی تبدیل شده است. در شمال آسیا، چین با طرح کمربند-راه، محرک مهم رشد در منطقه است. این طرح با تأمین مالی برای زیرساخت بازارهای نوظهور آسیا از قبیل تولید و انتقال نیرو، راه‌آهن، بنادر و بزرگراه‌ها از طریق بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها^۱ و صندوق جاده ابریشم کمک قابل توجهی به رشد منطقه نموده است. این طرح در عمل به توسعه بسیاری از استان‌های چین منجر شده است، از جمله منطقه مکونگ^۲ که قطب تولید جهانی برای بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا و آسیای مرکزی خواهد شد (PricewaterhouseCoopers(PWC), 2017).

علی‌رغم نگرانی‌ها، اقتصادهای چین و هند بیشترین عملکرد اقتصادی را تا سال ۲۰۳۰ خواهند داشت. در چین، علیرغم کاهش چشم‌گیر در بخش تولید، رشد شدید در هزینه مصرف‌کنندگان موجب رشد سریع صنایع خدماتی مانند خدمات مالی، خدمات بهداشتی، تجارت الکترونیک و تدارکات می‌شود. انتظار می‌رود که صنایع خدماتی باعث تداوم رشد چین در چشم‌انداز میان‌مدت شود.

از علل اهمیت پیش‌بینی آینده اقتصاد در این منطقه تا سال ۲۰۵۰، آن است که رشد و پویایی این منطقه برای آمریکا فرصت قابل توجهی است. سی و نه کشور در جهان، یک‌چهارم یا بیشتر از صادراتشان به آسیا است که خود حاکی از اهمیت آسیا برای اقتصاد جهان است. این منطقه در حوزه سرمایه‌گذاری نیز نقش بسزایی دارد. چین یکی از محرک‌های اصلی درگیر شدن آمریکا در آسیا است. جنوب شرق آسیا و هند در کنار چین فرصت‌های بالقوه‌ای برای

^۱. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

^۲. Greater Mekong Sub-region رود مکونگ دوازدهمین رود طویل جهان و هفتمین در آسیا است و استان یون نان چین، کامبوج، میانمار، لاوس، تایلند و ویتنام در حاشیه آن قرار دارند.

آمریکا هستند. آ.سه. آن نیز به عنوان سومین بلوک اقتصادی در آسیا بعد از چین و ژاپن و دومین و سریع‌ترین جایگاه رشد اقتصادی در آسیا بعد از چین در دهه گذشته بوده است. این اتحادیه با بیش از ۶۳۶ میلیون نفر جمعیت بیشتر جوان ظرفیت رسیدن به رشد بالای اقتصادی را داراست. سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در آ.سه. آن بیشتر از سرمایه‌گذاری آمریکا در چین، هند و کره جنوبی است (PricewaterhouseCoopers(PWC), 2017).

آسیا از دو منظر برای آمریکا حائز اهمیت است: ۱- حوزه خدمات؛ ۲- حوزه انرژی. در حوزه خدمات بخش‌های مرتبط با سلامت و بهداشت، حمل و نقل، امنیت سایبری و سرمایه‌گذاری مورد توجه است. در سال ۲۰۱۵، حدود ۳۰ درصد از صادرات آمریکا به آسیا بوده است. این رقم در آینده به دلایل مختلف رشد قابل توجهی پیدا خواهد کرد. از جمله این دلایل پویایی رشد اقتصاد آسیا و تغییرات جمعیتی آن است. برای نمونه با افزایش درآمد، تعداد گردشگران آسیایی و میزان هزینه کردن آن‌ها در خارج به‌طور بی‌سابقه رو به رشد است و یا در ظرف ۲۰ سال آینده تعداد افراد بالای ۶۵ سال تا ۲۰ درصد سالانه رشد خواهد داشت که نیاز به خدمات سلامت و بهداشت دارند. از سویی رشد جمعیت جوان به همراه رشد اقتصاد، میزان استفاده از فناوری، تجارت الکترونیک و خدمات امنیت سایبری را برای شرکت‌های آسیایی افزایش داده و می‌دهد که به‌طور بالقوه تقاضای مالکیت معنوی را برای شرکت‌های آمریکایی بالا می‌برد. درآمد حاصل از فروش نرم‌افزار، علائم تجاری و سایر خدمات مرتبط با مالکیت معنوی از جمله این موارد است. بخش دیگر حوزه انرژی است. براساس آمار آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، مصرف انرژی در جهان در طی سال‌های آتی تا ۵۰ درصد رشد خواهد داشت که میزان تقاضا در آسیا به ویژه برای چین و هند بیش از نیمی از این افزایش مورد انتظار است. در این زمینه هم فرصت مناسبی پیش روی آمریکا قرار می‌گیرد. صادرات گاز آمریکا به آسیا به‌ویژه برای متحدانش ژاپن و کره جنوبی که فاقد منابع انرژی هستند رقابتی شده است و این دارای مزایای استراتژیک است و فرصتی را نیز برای تعمیق همکاری با آمریکا فراهم می‌کند. موتور رشد اقتصاد آسیا نیازمند انرژی است و آمریکا در این زمینه هم پیش‌تاز بهره‌مندی از این فرصت است (خضری، ۱۳۹۶).

چالش‌های اقتصادی پیش روی منطقه:

طبق برآوردها رشد اقتصادی این منطقه در عین پیش‌تاز بودن نسبت به سایر نقاط جهان با چالش‌هایی مواجه است. چین و دیگر اقتصادهای در حال ظهور این منطقه با مشکل درآمد متوسط روبرو هستند. این کشورها با وجود برخورداری از نیروی کار ارزان، قبل از آنکه به مرحله

رقابت برسند، درآمد حاصل از رشد اقتصاد آن‌ها صرف هزینه‌هایی چون مشکلات زیست محیطی و توسعه پایدار، چالش‌های سیاسی و قومی، بهبود نهادهای حکومتی و ... خواهد شد. اقتصادهای بزرگ در حال توسعه منطقه هند، اندونزی و فیلیپین در تلاش برای مدیریت سرعت سریع شهرنشینی و پاسخ به نیاز کار نیروی جوان هستند. برای این کشورها پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، عواقب سیاسی و اجتماعی جدی به دنبال خواهد داشت. در نقطه مقابل، کشورهای شمال شرق آسیا با چالش متفاوت روبرو هستند. ژاپن، کره جنوبی و چین با رشد سریع اقتصاد، کاهش نیروی کار، افزایش سن بازنشستگی و افزایش هزینه خدمات سلامت مواجه‌اند. این روند جمعیتی باعث افزایش هزینه‌های رفاهی و عمومی می‌شود. اگر تعادل بین افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری کارآمد نباشد، تأثیر منفی بر رشد اقتصاد می‌گذارد. در تئوری هر کدام از این مشکلات راهکار مشخصی دارند. هند، اندونزی، فیلیپین و بنگلادش همه بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارند که به سرعت هم در حال رشد است. همین نیروی عظیم کار در جنوب و جنوب شرق آسیا می‌تواند به تعادل نیروی کار در اقتصاد شمال شرق آسیا به ویژه ژاپن و کره جنوبی که بیشترین نرخ سالمندان را دارا هستند، کمک نماید و از سوی دیگر سرمایه‌مازاد در شمال شرق آسیا می‌تواند در جنوب شرق آسیا سرمایه‌گذاری شود، اما وجود چند مشکل که به سطح متفاوت توسعه در کشورهای این منطقه برمی‌گردد مانع عملیاتی شدن این تئوری شده است. شاخصه‌های حکومت‌داری همچون کنترل فساد، کیفیت نظارت، دولت کارآمد، شفافیت و ثبات سیاسی در این منطقه متفاوت است. براساس آمار بانک توسعه آسیایی، ۸۰۰ میلیارد دلار سالانه کسری بودجه در بخش زیرساخت‌های منطقه است که این میزان بدون وجود ساختارهای نهادی، شفافیت و ثبات، قابلیت جذب ندارد. یکی دیگر از چالش‌ها در این منطقه کمبود منابع و مشکلات زیست محیطی است. افزایش تقاضای جهانی برای غذا تا ۳۵ درصد، آب تا ۴۰ درصد و انرژی تا ۵۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ رشد خواهد داشت که بیشتر این میزان از تقاضا در آسیا است. بیش از ۲۰ درصد از زمین‌های کشاورزی در سراسر جهان تخریب شده که باز بیشترین آمار متعلق به چین و هند است و در خصوص کیفیت هوای شهری، آسیا دارنده ۳۷ شهر آلوده در سطح جهان است. کمبود منابع و تخریب محیط زیست تهدیدات بلندمدت برای رشد اقتصاد آسیا است که میزان خطر و بی‌ثباتی را افزایش می‌دهد (PricewaterhouseCoopers(PWC), 2017).

جمع‌بندی

چین و آمریکا در منطقه آسیا- پاسیفیک به ویژه حوزه آ.سه. آن درگیر یک رقابت فزاینده و البته نرم هستند. این رقابت یک رقابت سخت و مبتنی بر حاصل جمع صفر نیست. هر دو کشور به دنبال پیشبرد منافع خود در منطقه بدون درگیری با دیگری می‌باشند. کشورهای جنوب شرق آسیا نیز در پی تعامل با هر دو قدرت هستند. چین یک قدرت بیشتر تک بعدی در حوزه اقتصادی برای منطقه محسوب می‌شود ولی آمریکا دارای قدرتی چندبعدی است در عین حال چین به لحاظ مجاورت جغرافیایی و سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌ها و عدم انتقاد از موضوعاتی چون حقوق بشر و دموکراسی در حال پیشی گرفتن از امریکا است. از آنجاکه رقابت چین و آمریکا در منطقه هنوز تبدیل به یک رقابت جنگ سردی نشده است می‌توان نام آن را هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر رقابت بین دو قدرت گذاشت.

این منطقه دارای اهمیت استراتژیک و جهانی برای آمریکا است و در اولویت تعهدات آن قرار دارد. این منطقه همچنین برای آمریکا در قرن ۲۱ دارای مزیت تجاری است و به‌طور فزاینده‌ای، تجارت آمریکا در جنوب شرق آسیا به سمت صنایع «نرم» شامل خدمات مالی، رسانه‌ای، فن‌آوری اطلاعات، تجارت الکترونیکی، داروسازی، بیمه، خدمات درمانی، خدمات حقوقی، گردشگری و حمل‌ونقل، سوق پیدا کرده است. در مقابل، حوزه‌های تجاری چین تقریباً به‌طور کامل در صنایع پایه و زیرساخت است. هر کشوری در بخش‌های مختلف تجارت می‌کند و هر یک پیچیدگی اقتصادی خود را براساس منافع ملی دارد؛ به این معنا که چین تا حد زیادی یک اقتصاد صادراتی با قیمت پایین را دنبال می‌کند هرچند که در ایجاد زیرساخت‌ها نیز برتری دارد، در مقابل، آمریکا به دنبال صادرات خدمات و فن‌آوری است. از این منظر، رقابت تجاری آمریکا و چین در منطقه تا حدی یک مقایسه کاذب «سیب در مقابل پرتقال» است. هر دو قدرت در تلاش‌اند تا جایگاه خود را در راستای منافع ملی در منطقه داشته باشند. باوجود همه اختلافات ایدئولوژیکی و استراتژیکی، چین و آمریکا از راه‌های مشابهی به منطقه نزدیک می‌شوند و هر یک، دیگر کشورهای منطقه را به پذیرش هنجارها، نهادها و معیارهای ترجیحی خود ترغیب می‌کنند تا از برقراری روابط امنیتی یا ادغام اقتصادی با رقیب خود جلوگیری کنند اما کشورهای منطقه در قالب منطقه‌گرایی معاصر، تمایل به انسجام و تنوع دارند و به‌نوعی به سمت پان آسیاییسم در حرکت‌اند. این منطقه نمی‌خواهد بین آمریکا و چین چه در سطح دیپلماتیک و چه در حوزه استراتژیک یکی را انتخاب کند. با وجود اینکه کشورهای منطقه

عمیقاً از مشارکت آمریکا در تأمین امنیت منطقه رضایت دارند اما در حوزه اقتصادی واقعیت‌ها حاکی از آن است که تمایلی به انتخاب یکی در مقابل دیگری ندارند و ترجیح می‌دهند بر روی ثبات منطقه‌ای، همکاری چندجانبه، رشد اقتصادی و حفظ فضای باز تجاری متمرکز شوند. سیاست‌ها و ابتکاراتی چون کمربند-راه، ایندو پاسیفیک و ... تنها در همین راستا موردقبول کشورهای منطقه خواهد بود.

از آنجاکه امنیت و اقتصاد چین و آمریکا به‌طور فزاینده‌ای با اقتصاد آسیا گره خورده است هیچ‌کدام نمی‌توانند نسبت به این منطقه بی‌توجه باشند لذا تلاش خواهند کرد در قالب همزیستی رقابتی قدم بردارند؛ به‌عبارت‌دیگر این منطقه برای چین و آمریکا هم چالش است و هم فرصت و از این منظر اهمیت تمرکز بر آسیا - پاسیفیک تا سال‌های آتی دوچندان خواهد شد.

منابع و مأخذ

- خضری، رویا (۱۳۹۶) «چشم‌انداز اقتصاد آسیا- پاسیفیک تا سال ۲۰۵۰»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها،

مهرماه، شماره ۳۰۷.

- Anwar, Dewi Fortuna (2021), "What Southeast Asia wants from the Biden presidency", **East Asia Forum**, April, <https://www.eastasiaforum.org/2021/04/01/what-southeast-asia-wants-from-the-biden-presidency/>.
- ASEAN Secretariat (2015) "Plan of Action to Implement the ASEAN-U.S. Strategic Partnership, 2016–2020", November 17. Available at: http://asean.org/wp-content/uploads/images/2015/November/27th-summit/statement/ASEAN-US%20POA%202016-2020_Adopted.pdf
- ASEAN Stats, (2019), "Data Portal", September 27. Available at: <https://data.aseanstats.org/dashboard/tourism>.
- Belt and road forum (2019), "Joint Communique of the Leaders' Roundtable of the 2nd Belt and Road Forum for International Cooperation" April 27. Available at: <http://www.beltandroadforum.org/english/n100/2019/0427/c36-1311.html>.
- Becker Paul (2018), "The 'Indo-Pacific': Redrawing the Map to Counter China", **The Cipher Brief**, January 12, Available at: https://www.thecipherbrief.com/column_article/indo-pacific-redrawing-map-counter-china.
- Biden Jr. Joseph R. (2020), "Why America Must Lead Again: Rescuing U.S. Foreign Policy after Trump," **Foreign Affairs**, March/April, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-01-23/why-america-must-lead-again>.
- China Briefing(2021), "US-China Relations in the Biden-Era: A Timeline", July 12, Available at: <https://www.china-briefing.com/news/us-china-relations-in-the-biden-era-a-timeline/>

- Daniel, Thomas (2021), "US-China Tensions and the Future of ASEAN", **Library of Congress CRS Report for Congress**. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/RL32688.pdf>.
- East-West Center (2019), "ASEAN Matters for America / America Matters for ASEAN", Washington, D.C, <https://www.eastwestcenter.org/publications/asean-matters-americaamerica-matters-asean> & <https://ustr.gov/countries-regions/southeast-asia-pacific/association-southeast-asian-nations-asean>
- Feigenbaum, Evan A. (2020), "Asia's Future, Beyond U.S.China Competition", **Carnegie Endowment for International Peace**. Available at: <https://carnegieendowment.org/2020/09/09/asia-s-future-beyond-u.s.-china-competition-pub-82503>
- Freeman, Carla p, Oba, Mie (2019),"Bridging the Belt and Road Divide", **Carnegie Endowment for International Peace**. Available at: <https://carnegieendowment.org/2019/10/10/bridging-belt-and-road-divide-pub-80019>
- Frost, Ellen L. (2021), "The Biden Administration's Trade Policy and U.S. Relations with Southeast Asia", **National Bureau of Asian Research (NBR)**, April 16, <https://www.nbr.org/publication/the-biden-administrations-trade-policy-and-u-s-relations-with-southeast-asia/>
- Global Times(2021), "ASEAN becomes China's largest trading partner in 2020, with 7% growth", Jan 14, 2021, <https://www.globaltimes.cn/page/202101/1212785.shtml>.
- Harding, Brian, Tran, Kim Mai (2019), "U.S.–Southeast Asia Trade Relations in an Age of Disruption", **Center for Strategic and International Studies**, June 27, <https://www.csis.org/analysis/us-southeast-asia-trade-relations-age-disruption>.
- Kurlantzick, Joshua(2017), "Southeast Asia in the Age of Trump", **Aspenia Online**, August 6, <http://www.aspeninstitute.it/aspenia-online/contributors/joshua-kurlantzick>.
- Lee, Lynn (2019), "Indonesia Forecasts Multibillion-Dollar Belt and Road Investments in Four Growth Regions", **South China Morning Post**, April 29, <https://www.scmp.com/week-asia/geopolitics/article/3008036/indonesia-forecasts-multibillion-dollar-belt-and-road>
- Mission of Japan to ASEAN (2020), "A New Foreign Policy Strategy: Free and Open Indo-Pacific Strategy", <https://www.asean.emb-japan.go.jp/files/000352880.pdf>.
- Parameswaran, Prashanth (2019), "Southeast Asia and China's Belt and Road Initiative", **The Diplomat**, May 15, <https://thediplomat.com/2019/05/southeast-asia-and-chinas-belt-and-roadinitiative/>.
- Petri, Peter A, Plummer, Michael (2020), "RCEP: A New Trade Agreement That Will Shape Global Economics and Politics", **Brookings Institution**, November 16, <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/11/16/rcep-a-new-trade-agreement-that-will-shape-global-economics-and-politics>
- PricewaterhouseCoopers(PWC), (2017), "The World in 2050, The Long View How will the global economic order change by 2050?", <https://www.pwc.com/gx/en/world-2050/assets/pwc-the-world-in-2050-full-report-feb-2017.pdf>
- Shambaugh, David(2018), "U.S.-China Rivalry in Southeast Asia Power Shift or Competitive Coexistence? ", **International Security**, Vol. 42, No. 4, Spring, pp. 85–127, <https://direct.mit.edu/isec/article/42/4/85/12193/U-S-China-Rivalry-in-Southeast-Asia-Power-Shift-or>.

- Stockholm International Peace Research Institute (2021), "International arms transfers level off after years of sharp growth; Middle Eastern arms imports grow most", March 15. <https://www.sipri.org/media/press-release/2021/international-arms-transfers-level-off-after-years-sharp-growth-middle-eastern-arms-imports-grow-most>.
- Stromseth, Jonathan (2019), "Don't make us choose southeast Asia in the throes of US-China rivalry", **Brookings Institution**. Available at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/10/FP_20191009_dont_make_us_choose.pdf.
- Szechenyi, Nicholas, Hosoya, Yuichi (2019), "Working Toward a Free and Open Indo-Pacific", **Carnegie Endowment for International Peace**. Available at: <https://carnegieendowment.org/2019/10/10/working-toward-free-and-open-indo-pacific-pub-80023>
- The Lowy Institute (2020), "Asia Power Index", <https://power.lowyinstitute.org/downloads/lowy-institute-2020-asia-power-index-key-findings-report.pdf>
- The Office of the U.S. Trade Representative (2020), "Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)". Available at: <https://ustr.gov/countries-regions/southeast-asia-pacific/association-southeast-asian-nations-asean>.
- United States Agency for International Development (2018), <https://www.usaid.gov/news-information/press-releases/dec6-2018-usaid-administrator-mark-green-usglc-2018-tribute-dinner>.
- U.S. Mission to ASEAN(2020), "United States-ASEAN Strategic: Partnership", <https://asean.usmission.gov/fact-sheet-united-states-asean-strategic-partnership/>.
- Vaughn, Bruce, Morrison, Wayne M. (2015), "Fact Sheet: Advancing the Rebalance to Asia and the Pacific", **The White House**, November 16. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/11/16/fact-sheet-advancing-rebalance-asia-and-pacific>. China-Southeast Asia Relations: Trends, Issues, and Implications for the United States.
- wezeman, pieterd, wezeman, siemon t (2021), "TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS, 2020", **SIPRI Fact Sheet**. Available at: https://www.sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs_2103_at_2020_v2.pdf &.
- White House (2016), "Factsheet: Unprecedented U.S.-ASEAN Relations", **the White House**, February 12, <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2016/02/12/fact-sheet-unprecedented-us-asean-relations>.